



طرح متدولوژی یک مرحله انقلاب

تاریخی و مرحله‌ای مبارزه طبقاتی میباشد.^{۱۱} بقیه از صفحه ۱۱

آمده‌ای که تحلیل را به مبارزه طبقاتی رسانده و آنرا بعنوان تعیین کننده نهائی قلمداد میکنند ترك ماتریالیستی از تاریخ نداشته (نه ترك جبر تاریخی و یا اکتونومیستی) و عمدتاً پدیده مبارزه طبقاتی را تاریخی نمی بینند برای آنها مبارزه طبقاتی بعنوان عكس عرضه پدیده ها قابل لمس بوده و میتواند به تجربه درآید و در اینصورت سایر مقولات را مثل شیوه تولید تجربیدی و انتزاعی دانسته و صرفاً به تحلیل مبارزه طبقاتی میردازند بطور مشخص پولانسراس یکی از شورسین های این طرزتفکر میباشد که از نظر ما همانطوریکه قبلاً اشاره شد در ماهیت آن شیوه تفکر بورژوازیسم نهفته است البته بحث عمده در کنار این امر رابطه مبارزه طبقاتی و شیوه تولید و نوع فرمایشون اجتماعی میباشد اگر چه مبارزه طبقاتی میتواند از اشکال متنوعی برخوردار باشد ولی در یک دوره تاریخی این اشکال خود بوسیله مناسبات تولید و توزیع تعیین و محدود میگردد البته شیوه و نوع تعیین کنندگی میتواند مورد بحث واقع گردد ولی تعیین کننده نهائی این مبارزه طبقاتی همان شیوه تولید میباشد که با اندکی تعمق در آثار مارکس و انگلس میتوان این نکته را بسادگی دریافت و با تحلیلی ماتریالیستی از دیالکتیک تاریخ نیز میتوان صحت آنرا دریافت و با تحلیل خود اشاره میکند که شناخت طبقات و مبارزه طبقاتی از ابداعات و نبوده است چنانکه ناسمندان بورژوازی نیز از آنها صحبت کرده اند آنچه که مربوط به نوآوری او میشود همانا دادن بعد و مفهوم تاریخی است که او به طبقات و مبارزه طبقاتی بخشیده با در ارتباط قرار دادن آن با رشد مادی نیروهای مولد و روابط تولیدی در دوران مختلف یا بطور مثال بحث انگلس در مورد قهر و اینکه چگونه در تحلیل نهائی زیربنای اقتصادی تعیین کننده شیوه و ماهیت کاربرد قهر میباشد بهترین

و روشنترین مثال میباشد. عموماً این سوال که چرا شکل مبارزه طبقاتی در دوران برده داری، شورش های دهقانی، و یا اعتصابات اقتصادی و سیاسی کارگری با هم متفاوت میباشد و تشکیلاتی مثل اتحادیه را نمیتوان در شورش های دهقانی یافت در حقیقت ریشه در این رابطه دارند البته با طرح این سئوالات موجودیت مستقل مبارزه طبقاتی که بآن صلت متفاوتی میدهد مورد بحث است و نه استقلال نسبی آن ترك این مسئله از آنرو اهمیت دارد که با توجه به رشد نیروهای مولد در روابط تولید و مناسبات اجتماعی درون یک جامعه و توانائی تاریخی آن است که میتوان علیه هر طواهر عرضی رابطه بین طبقات به رابطه تاریخی و مرحله‌ای طبقات نیز توجه نمود و این طواهر را در آن راستا مورد توجه قرار داد چنانکه چه بسا تضاد بین نیازهای آئی و آئی طبقه کارگر بوجود میآید و شناخت تاریخی و نه تجربی بر این خواستها و آگاهی است که اولاً ما را در دام آگاهی دروغین و اشتباه (False Consciousness) نیانداخته و ثانیاً رابطه دیالکتیکی را میتوان بین تاکنیک و استراتژی تعیین نمود این نکته بخوبی در آثار لنین میتوان ببیند خود را هر چه بیشتر نشان دهد در سال ۱۹۰۵ نقش دهقانان در انقلاب و خواسته های آنها و وظیفه پرولتاریا در اجرای این وظایف که ماهیت بورژوازی دارند بخوبی روشن است و دهقانان بخش وسیعی از طبقه مورد استثمار را تشکیل میدهند درحالیکه در سال ۱۹۱۷ دهقانان اگرچه تاحدی از رفاه های مختلف بورژوازی متمتع شده اند ولی نهایتاً هنوز ساله ارضی برای آنها حاصل نشده است و این تضاد که توسط بورژوازی و فرمایش قابل حل نیست تنها با انقلاب قابل حل میباشد لذا پرولتاریا با توجه به این وحدت منافع مرحله‌ای است که دهقانان را بعنوان متحدین خود ارزیابی کرده و بیپایان و انجام رسانیدن انقلاب دموکراتیک را بعهده میگیرد در این تحول طبقاتی آنچه که باقی میماند در حقیقت

شناخت تاریخی است بر بویائی طبقاتی اتفاقاً در همین رابطه است که لنین تعریف و اعتراض به شعار "دیکاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و دهقانان" و مفهوم "اراده واحد" را ناعی از بین کسان میبندد که به ساله اراده واحد و یا وحدت منافع نه از جنبه تاریخی و مرحله‌ای خود و در تکاپو و بستر تضادهای جامعه بلکه بصورت متفاوتی و تجربیدی مینگرند در متدولوژی لنین، تناسب طبقاتی قوای انقلاب (شناخت و عمل) صلت اصلی مرحله انقلاب را تعیین میکند بدین معنی که چگونه انقلابی ترین طبقه از نظر تاریخی صف بندی خود را در اتحاد، به طرف نگاه داشتن و ضمیمت با طبقات دیگر تعیین میکند و چگونه با ارائه عمل این دنیا میم تناسب طبقاتی را سمت می میکند لنین در پاسخ به اتهامات کائوتسکی میگوید "میرا انقلاب صحت و قضاوت ما را تأیید نمود ابتدا با توافق "تمامی" دهقانان علیه سلطنت، علیه ملاکین، علیه نظامات قرون وسطائی (تا اینجا انقلاب بورژوازی - دموکراتیک است) سپس با توافق دهقانان تهیست، با توافق نیمه پرولترها و با توافق همه استثمار شوندگان علیه سرمایه داری و از آنجا علیه ثروتمندان روستا، کولاک محترکین (در اینجا دیگر به انقلاب سوسیالیستی بدل میگردد) لنین مهمترین مدرک این تغییر صلت و مرحله انقلاب را درجه آمادگی پرولتاریا، اتحاد وی با تهیبدستان روستا و شهر میدانند لنین در مقطع انقلاب ۱۹۱۷ برپاساختن عوراهسا بعنوان عالی ترین نوع دموکراسی و جلب توده های کارگران و دهقانان به سیاست را هواسنج بسیار حساسی برای نمایش درجه ارتقا و سطح بلوغ سیاسی و طبقاتی تودهها میدانند چنین شناختی از بویائی طبقاتی است که لنین در سال ۱۹۰۵ اجرای وظایف بورژوازی را بوسیله پرولتاریا مطرح میکند در حالیکه در ۱۹۱۷ بیپایان رسانیدن و انجام مرحله انقلاب دموکراتیک را مطرح مینماید با همین بینش است که در رابطه بقیه در صفحه ۱۸

طرح متدولوژیک مرحله انقلاب

با انقلاب ایران رفقای فدائی به وظیفه‌ها بهایان رسانیدن انقلاب دموکراتیک ایران که توسط بورژوازی در نیمه راه متوقف گردیده و بورژوازی بطور عینی بی لیاقتی تاریخی خود را در انجام وظایف به توده‌ها نشان داده است آغاز مینماید. و از اینروست که حل بسیاری از تضادها تیکه حکومت فلسفی بخاطر ماهیت طبقاتی خود قادر به حل قطعی آنها نمیباشد و لذا پایه عینی مقابندی‌های طبقاتی میگردد مثل مسئله ارض مسئله ملی، آزادیها و غیره پهن شده حکومت انقلابی آینده واگذار میشود که بتواند حل این تضادها را به بهایان رساند انجامی که دیگر با ماهیت رفرمیستی - بورژوازی امکان پذیر نمیباشد.

لنبن با توجه به ساخت عقب مانده روسیه انتقال به سوسیالیسم را بدون یک سلسله گذارها و طی مراحل گذاری غیر ممکن میدانند. در همین رابطه لنبن در پاسخ به کاتوتسکی در ماهیت و چگونگی این گذار مطرح میکند که "ما بلشویک‌ها به دهقانان کمک خواهیم کرد تا دوران شمارهای خرده - بورژوازی را سبزی سازند و با سرعت هر چه بیشتر از این شمارها دست کشیده و به شعارهای سوسیالیستی بپردازند" و بالاخره لنبن در طرح سیاست مارکسیستی بلشویک در جامعه روسیه چنین میگوید "با دهقانان تا پایان انقلاب بورژوا - دموکراتیک و با بعضی تبهبست، پرولتر و نیمه پرولتر دهقانان یعنی بسوی انقلاب سوسیالیستی".

البته نقل قولهای ذکر شده نه از جهت مالگو برداری از جامعه روسیه و نه از جهت دادن اعتبار به بحث مقاله آورده شده بلکه برای بررسی بینش و متدولوژی لنبن در برخورد به طبقات و آرایش طبقاتی و ارتباط آن با مرحله انقلاب آورده شدند. حکم کلی که میتوان از این مطلب گرفت این خواهد بود که در هر مرحله از شرایط عینی و درجه آگاهی سیاسی و طبقاتی مبارز دنیا میم اتحاد طبقاتی بین طبقاتی کسبه بخاطر تضادها و منافع مشترک در حرکت

انقلابی قرار میگیرند به ندرجه بدگیری طبقات اجتماعی در بر هم زدن نظم کسوسی و ساختن یک نظم نوین بستگی دارد.

همانطوریکه در ابتدای مقاله ذکر شد یکی از عناصر اصلی طرح مرحله انقلاب ارائه مضمون و شکل روبنای جدید است که بایست جایگزین روبنای کهنه که توسط انقلاب درهم شکسته خواهد شد گردد. نحوه برخورد به این سؤال از نحوه برخورد به سئوالات دیگر نمیتواند خارج باشد لذا مجددا بحث در چهارچوب همان دو نحوه قبلی که ذکر آن رفت دنبال میشود. در این بخش عمدتاً بحث حول دو شکل روبنای است که از طرف رفقای فدائی (ا.ک) بعنوان "جمهوری انقلابی دموکراتیک کارگران و زحمتکشان شهر و روستا" و از طرف رفقای (ا.ق) بعنوان شوراهای کارگری مطرح شده است رفقای (ا.ق) طرح "جمهوری دموکراتیک" را نفی نموده چون ماهیت طبقاتی آنرا بورژوازی

میدانستند زیرا که هر نوع حکومت جمهوری دموکراتیک حاکمیت بورژوازی دارد ولی این رفقا بهیچ وجه به سئوالات اساسی که بایست چنین شکلی از حکومت جویگو باشد پاسخ ندهاده اند. همانطوریکه لنبن اشاره میکند نیروهای انقلابی بایست مشخصاً به سؤال اینکه چگونه میتوان از سرمایه‌داری به سوسیالیسم رسید جواب دهند. بایست توضیح دهند و تصریح نمایند که ماهیت طبقاتی روبنای سیاسی که وظیفه گذار از این دوره انتقالی را بعهده دارد چیست - برنامه‌های دموکراتیک و سوسیالیستی را معض سازند و رابطه طبقات و منافع و پیگیری طبقات در این روبنا معین گسرد. لنبن در شرایط روسیه سال ۱۹۰۵ نشان میدهد که چگونه حکومت "دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک" ممکن است او تصریح میکند چه طبقاتی در این حکومت شرکت دارند و اینکه ماهیت طبقاتی این دیکتاتوری از نقطه نظر تاریخی چیست و حاکمیت این روبنای سیاسی چگونه میباید (یعنی دیکتاتوری دموکراتیک) شیوه ساختن آن نیز با توجه به مرکب - قهری ضد انقلاب و برپا ساختن قباذهای

توده ای و پرولتری و تسلیح توده های انقلابی میباید. همچنین لنبن مطلقاً در رابطه با حاکمیت گذار و انتقالی این حکومت که از نظر تاریخی موقت میباید و زمینه و بهی - شرطهای لازم را برای ضرورت تنادم مبارزه تا برقراری سوسیالیسم و از آنجا تا رهائی کامل طبقه کارگر از قید هر گونه ستم و استثمار است صحبت میکند. بهر صورت چیزیکه در متدولوژی لنبن مشخص است تشخیص و تحلیل از رابطه دیکتاتوری بین مرحله دموکراتیک انقلاب و مرحله سوسیالیستی آن میباید که حاکمیت دوره انتقالی است و این دوره انتقالی شکلیای روبنای سیاسی خود را خواهد داشت که با ترکیب طبقاتی که در آن مرحله دارای وحدت اراضه و منافع میباشند مشخص میگردد. سئوالاتی که در اینجا مسکن است طرح خود این است که آیا دیکتاتوری چند طبقه امکان پذیر است؟ در پاسخ بایست اشاره کرد که اولاً زحمتکشان شهر و روستا طبقه محسوب نمیگردند تا آنها با مقوله "دیکتاتوری نمیتوان بصورت متافیزیکی برخورد نمود چنانکه مارکس و لنبن نیز در نوشته های خود یکی از حلقهای دوران - انتقالی را ائتلاف طبقاتی و تجسم این ائتلاف در قدرت سیاسی میبیند. تنها زمانیکه این قدرت تحکیم میگردد دیکتاتوری یک طبقه عیان میگردد. از اینرو در دوره انتقالی اگر چه طبقات مختلف قدرت سیاسی را بنحوی در اختیار میگیرند ولی اینکه سمت حرکت در جهت یا تولید چه نظام اجتماعی میباید میتواند مضمون دیکتاتوری و نوع حکومت را معین نماید. این مضمون از نظر لنبن با میزان درهم شکستن نظام قدیم و برپا ساختن نظام نوین مشخص میگردد که این خود بستگی مستقیم به ماهیت تضادها نه تنها در نظام داخلی بلکه در ارتباط با نظام جهانی دارد که این مجموعه دارای پویایی بوده و این دنیا میباید میتواند مضمون را متروک و یا متعبد و غیر ممکن سازد. بطور مثال اینکه لنبن هیچگاه از دموکراتیک و سوسیالیسم با مضمون پرولتری صحبت نکرده است



طرح متدلوزیک مرحله انقلاب

و اینکه گفته شود مضمون دیکتاتوری انقلابی دمکراتیکه دیکتاتوری بورژوازی است (ترساک ۱۹۰۵) تنها یک برخورد منافذیزیکی میباشد زیرا که در آن شرایط رفرمهای بورژوازیسی امکان پذیر بود چنانکه بورژوازی لیبرال نیز انقلابی میگردید ولی با تغییر ماهیت انقلابی طبقات مضمون این دیکتاتوری نیز تغییر مییابد. از اینرو با در نظر گرفتن ماهیت تضادها در شرایط خاص و اینکه این تضادها با رفرمهای بورژوازی بهیچ وجه قابل حل نمیباشد و از طرف دیگر با در گهر شدن بیشتر در عیتم جهانی سرمایه ناری و باز تولید داخلی بدون ارتباط با باز تولید جهانی امکان پذیر نمیباشد مگر اینکه این باز تولید داخلی در جهت سرمایه ناری نبوده بلکه در خدمت تغییر این شیوه تولید باشد بطور مثال کوبا و نیکاراگوئه امروز که عملکردها و نیاستهایشان نه در خدمت و سمت باز تولید سرمایه داخلی و سرمایه ناری جهانی بلکه در جهت محدود ساختن و بالآخره از هم باغیدن آن شیوه تولید میباشد. از اینروست که میتوان مضمون دیکتاتوری این دوره انتقال را پرولتری دانست و بالطبع چنین سمت گیری نمیتواند بدون همزمنی پرولتاریا صورت گیرد. در این دوره انتقالی که باز تولید یک شیوه تولید محدود و بالآخره درهم شکسته میشود و در همان فرآیند پیش شرطهای شیوه تولید نویسن پایه گذاری میگردد و امکان باز تولید آن فراهم میشود رابطه دیالکتیک بین انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی قابل درک میباشد که این مضمونی بجز مضمون پرولتری نمیتواند داشته باشد.

عینی و ماهیت طبقاتی این پیش شرطهای سوسیالیستی شوال میگردد. تنها موردی که این گروه در تأکید عورا مطرح میکنند نطفه های عورا در اوان قیام بهمین است ولی آنها منحصی نمیازند که اولاً این شیوه ها در چند کارخانه و یا موسسه و یا چه ویژگیهایسی شکل گرفتند و نقی نبروهای کمونیستی در این عوراها چه بوده و مهمتر اینکه آیا این عوراها آنها نکه در روسیه اتفاق افتادند از آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران و دیگر زحمتکشان داشتند و یا اینکه تنها حرکتی خود بخودی بشمار میروند. مشکل آنها این است که به مقوله ای چون عورا بطور مجرد و متافیزیکی برخورد کرده و آنها خارج از بستر شرایط عینی مورد بررسی قرار میدهند از اینروست که رابطه این عوراها چه قبیل از انقلاب و چه پس از آن با حزب پرولتاریه دیکتاتوری پرولتاریا چگونه خواهد بود. چرا اصولاً آنها شکل شورائی را جها نضمول میدانند و نه شکل کمونی را مگر نه اینکه اعتبار کمون پاریس بعنوان شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا توسط مارکس تصریح شده است؟ در این رابطه رفقای (الحق) سعی مینمایند نشان دهند که شکل شورائی عیسه شکل روسی دیکتاتوری پرولتاریا (آنها نکه لنین تصریح میکند) بلکه شکل جها نضمول آن میباشد. باید توجه داشته باشیم که لنین در جواب به کاشوتسکی که در صدد تحریف ماهیت طبقاتی این عوراها بویژه عورا های نهقانی بوده و آنها را در خدمت خرده بورژوازی و نهایتاً بورژوازی قلمداد میکند برخورد مینماید و برای جلوگیری از تحریف آن در بین توده پرولتاریای اروپا

از آنها دفاع نموده و مطرح میازد که این عوراها اینک بعنوان یک شکل از دیکتاتوری پرولتاریا مهر و نشان خود را بر جنبش کارگری جهانی زده است و عام بسودن شکل شورائی را مطرح نمیازد یعنی آنچه یی که توسط رفقا مطرح میگردد. از آنجا نیکه بحث راجع به عوراها بعنوان شکل دیکتاتوری پرولتاریا و مقایسه آن با جمهوری دموکراتیک انقلابی ۳۰۰۰ از حومه این بحث خارج است لذا صرفاً از نقطه نظر برخورد متدلوزیک به روی نای سیاسی دوره انتقال به همین مقدار اکتفا نموده و بحث مفصل آنرا به مقاله دیگری واگذار مینمائیم.

در جمع بندی از بحثی که در این مقاله آمد چنین میتوان نتیجه گرفت که رابطه نزدیکی بین شیوه تفکر و روش شناخت وجود دارد و اگر تحلیل بر اساس شناخت دیالکتیکی در خدمت تغییر نباشد عموماً قابل نیست به مسائل خاص انقلاب و چون تعیین مرحله انقلاب کمک نماید. چنین سعی شد که نشان داده شود چگونه در روش لنینی برخورد به مرحله انقلاب از واقعات جامعه یعنی تضادهای آن در بعد دینا مهک شروع نموده و بر اساس شناخت و ساخت اقتصاد سیاسی جامعه که متکی بر شیوه تولید میباشد آرایسی طبقاتی تعیین میگردد و این آرایسی طبقاتی نقی تعیین کننده ای در نبروهای انقلاب یارد که خود نیز نهایتاً در بعد تاریخی بسا تضادهای شیوه تولید تعیین میگردد و بالآخره همین آرایسی طبقاتی است که محتوی طبقاتی و شکل حکومتی را که روی نای سیاسی این تحول نظام کهن به نظام جدید را بمده خواهد داشت و تعیین و منحص میازد.

رژیم و مسئله مسکن

ملکوتی نماینده خمینی جلاد در آنریا بجان غربی و امام جمعه تبریز در مورد تقسیم زمین در دوره سه ساله جمهوری اسلامی گفت: " زمین های مرغوب در جاهای مرغوب به بچه های طبقه اول و مرفه جامعه داده شده است چرا که پدران نشان پول کلان داشتند و بلافاصله عروج به ساختمان کردند. طبقه دوم جامعه هم به زمینهای درجه دوم رسیدند و با استفاده از پس اندازهای که داشتند و وامهایی که از بانکها گرفتند صاحب خانه شدند اما طبقه سوم یعنی طبقه مستضعفانه صاحب زمین و نه قارای مسکن شدند".

چرا نشریه انجمن های دانشجویان مسلمان

شماره ۴۲ در علیگر هند پخش نشد!

رفقا و دوستان مبارز!

در نشریه شماره ۴۳ هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در اروپا و آمریکا به رابطه با عبادت رفیق فدائی شهرام میرانی ترشیر علیگر و عملاً عمل هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در هند با آن واقعه و مطالبی سرابا، دروغ و تحریف آمیز و در عین حال چنان مفرزانه ترشیر گفته است که مارا بر آن دانت نکاتی چند را در این مختصر به اطلاع دانشجویان مبارز برسانیم.

ما در این مقاله سعی نداریم که کلیه عملکردهای سازمان مجاهدین و نتیجه "خرابی ملی مقاومت" را مورد بررسی قرار بدهیم، هر چند که منتقدیم کلیه عملکردهای مجاهدین و هواداران در شرایط حال الزام نمیتواند جدا از روند حرکت این سازمان مورد بررسی قرار گیرد. ولی ذکر این نکته بی اهمیت نخواهد بود که ما در گاهنامه شماره ۱ (نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) طی همداری که به هواداران مجاهدین در پی سیاستهایی که عموماً در هند از آن بهروری میکنند، داده بودیم خاطر نشان شدیم که آنها بدنبال آنکه فکر میکنند در ایران به اصطلاح آلترناتیو هستند (زبا اغنسیاستهایی چون تک روی و الگوبرداری از جنبش دانشجویی اروپا و آمریکا و بدون در نظر گرفتن شرایط خود ویژه هند سعی دارند به هر نحوی هر چند ناصحیح به این تعهدات را نگار خود جامه واقعبینانه بپوشانند و اینطور وانمود کنند که تنها نیروئی هستند که فعالانه (در مسیر انقلاب - ایران) گام بر میدارند و برایشان مهم نیست که از چه کانی و بی چه برنسیبی آنرا به اثبات برسانند. شاید آن چند سطر در گاهنامه شماره ۱ آنطور که باید به این مهم تیرداخته باشند ولی امروز با خواندن نشریه هواداران مجاهدین شماره ۴۳ میتوان تیربار به بسیاری از سیاستهای این دوستان به قضاوت نشست.

به نظر ما چگونگی برخورد به مسائل اجتماعی بهترین جهت شناسایی یک نیروی اجتماعی است. بر سبب انقلابی را نمیتوان به جدا از برخوردی جداگانه به مسائل دانست ولی آنچه که دوستان مجاهد در نشریه ذکر کرده اند و بعنوان خبری از هند بدون در نظر گرفتن هیچ برنسیبی فقط جهت تغییر سازی و بدنبال خط مشی خاص که همواره در نشریه مجاهد خارج از کشور صافند خط زردی نمایان است و هیچ قصد دیگری نداشته مگر فریب توده ها و پشتها زدن به معارهای انقلابی.

این دوستان در نشریه اخیر خود بوضوح نشان داده اند که چگونه درگیر جنگی سرخست با واقعیت اند، با این قصد آنچه را که مادیت دارند و بالفعل عمل میکنند منکر شوند تا شاید با انکار واقعبینانه خود را به اثبات برسانند و آنرا که خود می نویسند نامسی از خود بپایند و داستانی را که خود نقل میکنند قهرمانی بافتند.

بدنبال چنین تفکری است که هواداران مجاهدین بعد از شرح مختصری از چگونگی شروع ماجرای خود را بر آن داشته اند تا حدی ممکن به سبب همبستگی خبر ساز باخته و غیر را مهج - تر ساخته و تاثیرات فاحش کمبود قهرمان همیشه حاضر را جبران کنند و در این رابطه - چنین می نویسند:

"عکس العمل هواداران چریکهای فدائی (اقلیت) بسیار پاسیو و منفعل بود. من باب مثال آنها حتی در تبعیح جنازه این شهید هم خیلی مجنون شرکت نمودند. بطوریکه فالانوها و قیاده جرات پیدا کردند که بهر که شهید را از دست آنها ربوده و خوششان مخفانه دفن کنند."

براستی دوستان مجاهد و میتوان این نوشته را فقط یک اشتباه در گزارش نمی به نشریه - مجاهد تلقی کرد و حاضر به تکذیب آن نمود چرا که جسد تحت فشار پلیس قاعبت هند به سینه دوستان شهرام که در این جوان درگیری قرار داشتند در علیگر بهاک خبرده عدو آنها میتوانست منکر این شهید که تنها کمانه که در مقابل فشار پلیس بیچاره همه مقاومت کردند و رفقا نخت و پسر هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و چند دانشجوی دمکرات عضو کانون بودند. براستی از خود سوال کرده اند در هنگام درگیری با پلیس کجا بودند که تا بعد بی عملی ما نبودند. از خود عملی انجام ندادند. آری در عند انگشت شمار دانشجویانی حتی از خود دوستان مجاهد را میتوان یافت که ماجرای را که مجاهد شماره ۴۳ به نقل آن برداشته باور داشته باشند و شاید به همین دلیل و دلایل دیگر باشد که این شماره مجاهد در شهر علیگر پخش نمیشود. و اما به دنبال چنین خط مشی در قبال جنبش دانشجویی و نیروهای انقلابی است که نشریه هواداران مجاهدین چنین اقدام میبندد:

"و تا سنا آرتتر اینکه حتی در رابطه با این جارت ضد انقلابی فالانوها نیز هوا - داران اقلیت (علیرغم پیشنهاد صراحت هواداران مجاهدین و اعلام آمادگی آنان برای هر گونه اقدام اعتراض و افشاگرانه در این مورد) هنوز برخورد نمائی نکرده اند".
بقیه در صفحه ۳۴

مروزی بر جمعیت های رفیق جزئی

بلیه از صفحه ۲۷

جامعه با انگیزه روشنفکری (در نتیجه - تاثیر فرهنگ متروپلیا) در برابر شیوه - دیکتاتوری رژیم ابراز ناراضی می کنند و حتی بخشی از روشنفکران این جامعه با انگیزه آگاهی بر ضد موقعیت طبقاتی خود بر می خیزند و بخصوص در شرایط دیکتاتوری بر علیه رژیم دست به مبارزه میزنند.

پنجمین صلت عمده - سرمایه داری وابسته -
دیکتاتوری سلطنتی

رفیق جزئی، دیکتاتوری رژیم را یک صلت ذاتی چه سیستم فئودال کمپرادور و چه سیستم سرمایه داری وابسته می شناسد که بقول او در مجموع بیچاره از پنج دهه برای ایران حاکم بوده است رو بنای سیاسی نیمه - دموکراتیک در دوره های کوتاه سالهای جنگ جهانی دوم و در سالهای جدید ملی شدن نفت را، رفیق جزئی یک صلت استثنائی و حتی تبدیلی بر سیستم میداند.

وی ضرورت دیکتاتوری رژیم و حاکمیت متکی بر سر نیزه توسط ارتجاع داخلی و - امپریالیستهای خارجی را در نیاز انسان به سرکوب جنبش خلق در راهی این از استثمار و ستم خارجی و داخلی می شناسد. جزئی اعتقاد دارد که چون استثمار و ستم داخلی و خارجی (از سوی امپریالیستها و طبقات حاکم داخلی) = جنبش قاطع خلق را برای رهائی خود بر می انگیزد، از اینرو جنبش در شرایط نیمه دموکراتیک بسرعت رشد خواهد کرد و از نظر سیاسی و نظامی به جنبش براندازنده سیستم تبدیل میشود. جزئی در برخورد به نهاد هائی چون انتخابات، پارلمان، انجمن ها و - اتحادیه ها (این به اصطلاح نهاد های دموکراتیک جامعه) آنها را فقط ظاهری می بیند و "بیان وسیله ای در دست دیکتاتوری" جزئی بعضی بیتی میگوید که هرگاه شرایط رژیم را وادار کند تا - برخی از حقوق مردم را مراعات کند، چنین حالتی به هیچ وجه پایدار نبوده و در اولین فرصت از سوی ارتجاع بهم میخورد و دیکتاتوری (یعنی از دیدگاه جزئی این چهار اساسی سیستم وابسته) از پس آن بیرون می آید. جزئی در - برخورد به شکل دیکتاتوری در ایران آنرا در دورانی ده دوم سلطنت رضا خان و از سال ۴۲ بهمد سلطنت محمد رضا شاه، دیکتاتوری سلطنتی می شناسد و در مقابل در دورانی ده اول سلطنت رضا خان و سالهای ۳۲ تا ۴۲ محمد رضا شاه آنرا دیکتاتوری اشراف فئودال کمپرادور در ایران





مروزی بر جمعیتهای رفیق جزئی

بقیه از صفحه ۲۰

معرفی میکند. دیکتاتوری اشراق -
فتوئال کمپرادور بدین معنی است
که نمایندگان طبقات و عوامل ارتجاعی
داخلی و خارجی بصورت رجال سیاسی و
نظامیان مقتدر همراه با تریبار و
اغلب با حمایت روحانیت بزرگ حکومت
میکردند یعنی اینکه تریبار و شاه همه
قدرت را قبضه نکرده بود. در حالیکه
دیکتاتوری سلطنتی در دیکتاتوری شخص
شاه و خانواده سلطنتی متجلی است -
جزئی معتقد است که تفکیک این دو صورت
دیکتاتوری از هم در تعیین یک منشی
انقلابی مهم است و او خود قدمی در -
تشریح ویژگیهای دیکتاتوری سلطنتی
برمیدارد.
تمرکز فوق العاده قدرت در دست
شخص شاه و خانواده سلطنتی بطوریکه
میدان عمل عناصر نظامی و سیاسی دستگاه
حاکمیت کاملاً تحت کنترل او در میآید و
نیازهای مستیدانه شاه و خانواده -
سلطنتی در گره حاکمیت تعیین کننده
میشوند و شاه در تمام عئون تصمیم
میگیرد و نظارت تمام دارد و این در
نهایتی ترین مرحله رشد خود بصورت حکومت
فردی ظاهر میشود.

مکانیزم اعمال دیکتاتوری تا مرحله
عصوت فاشیستی سلطنتی از سوی شخص شاه
پیش میرود بدین معنی که دارو نسته
حاکم تنها برای حفظ منافع طبقاتی را
که نمایندگی میکنند اعمال قدرت نمیکند
بلکه با فراتر گذاشته در راه حفظ
موقعیت سیاسی خودشان و در ارضای جاه -
طلبیهای بی حد و حصر شاه و تریباریان
از هیچ کاری رویگردان نمیشوند و نسبت
به قهر ضد انقلابی و خصومت لجام گشخته
میزنند که حتی میتوانند موقعیت کلیسی

استثمار گران خارجی و ارتجاع داخلی را بخطر اندازند.

رفیق جزئی پس از تشریح این دو -
ویژگی میخاهد به ارتباط نحوه سهم بری
اقتدار استثمارگر داخلی و امپریالیستهای
حاکم و به نقش سیاسی آنها در نظام -
دیکتاتوری سلطنتی بپردازد تا تر منشی
انقلابی خود را که برای بهخیرد -
مبارزات طبقاتی مردم ایران طرح میکند
بازگو نماید.

او میگوید در دیکتاتوری سلطنتی
بعلت اعمال دیکتاتوری فردی نقش سیاسی
ارتش و هیأت دولت مروحانیت و بالاخره
پارلمان که صورت اهرم ها و تریبونهای
در خدمت اقتدار استثمارگر داخلی و
امپریالیستهای حاکم هستند بسیار ضعیف
عده است و حتی معتقد است که آنان حقوق
خود را کاملاً از دست میدهند. در اینبار
به مقایسه دو دوره دیکتاتوری سالیهای
۱۹۳۲ (آرستوکراسی) و سالیهای بعد از
۴۲ مهربادزد و نشان میدهد که چگونه در
دوران اول امرای ارتش و سیاستمداران
مجلسین شاه و شورای ملی نقش تصمیم گیری
داغتنند و در دوران بعد این نقش را از -
دست داده اند. جزئی مثلاً حتی در بعضی
روحانیت و نقش پروردی را از مزاد ۲۲
تا آغاز اصلاحات ارضی با نقش روحانیت
بعد از اصلاحات ارضی نشان میدهد و بالاخره
با مقایسه نقش دولت منصور با دولت
هویدا طرح میکند که چگونه دیکتاتوری
سلطنتی تمام اهرمهای دستگاه حاکم را
بدست یک فرد قرار داده است و به همین
ترتیب در ارتباط با نقش امپریالیستها
در این دوران جزئی نشان میدهد که این
شخص شاه است که بنا بر منافع و موقعیت
خود برتری یک امپریالیست را در جامعه
می پذیرد و اساساً در بین حضور -
امپریالیستها در جامعه خود قدرت مانور

را بدست میگردد و در تقسیم غنائم یکی
را بزرگتری ترجیح میدهد البته این
بدان معنی نیست که شاه همه را از محله
بمرون میکند و هیچ امکان ابراز ناراضی
از سوی جناحهای مغلوب در حاکمیت و با
سوی جناحهای امپریالیستی دیگر وجود
ندارد. بلکه مسئله از دیدگاه رفیق -
جزئی این است که دیکتاتوری سلطنتی
منافع و مصالح قشرهای مختلف بورژوازی
کمپرادور و امپریالیستها را به نحو
یکسانی در نظر نمیگیرد و بدین ترتیب
امپریالیستها از طریق تقسیم تریبونها
و اهرمهای حاکمیت همواره برای کسب
سهم خود رقابت خواهند کرد و روی رژیم
فشار وارد خواهند آورد و در نتیجه شاه
گاه با یکی و گاه با دیگر جناحهای
امپریالیستی سرفشاخ میشود و بدین ترتیب
جزئی خواننده را بسوی تز خود هدایت
میکند: تقاضای داخلی و خارجی سیستم
حاکم گرد محور دیکتاتوری مقتدر جریان
میباید. تجلی تقاضای نیروی دستگاه
حاکم پیرامون دیکتاتوری ناراضی قشرها
و گروهها و جناحهایی که نه با سیستم
سرمایه داری وابسته بلکه با دیکتاتوری
فردی شاه برخورد دارند برای جزئی محتوی
با اهمیتی دارد زیرا تز او این است که:
" مبارزه با دیکتاتوری شاه عمده ترین
جنبه جنبش رهاشی بخش در شرایط -
دیکتاتوری سلطنتی است "

۱۰۰۰ نامه دارد
* لازم به تذکر است که رفیق جزئی اغلب
آثار تئوریک ارزنده خود را در زندان
تألیف نموده است.

● بر اساس یک گزارش اقتصادی، رژیم
جمهوری اسلامی در سال ۱۹۸۰ دو میلیارد
دلار و در سال ۸۱ چهار میلیارد دلار -
کسری موازنه بازرگانی داشته است.
همین گزارش میافزاید در سال ۸۱ تا این
بزرگترین مانر کفنده به ایران و -
بزرگترین خریدار کالای ایران بوده است.
● تقی با یکی سرپرست سازمان برنامه
اعلام کرد که گروهی از وزیستران و
"عصیت های" مملکتی مخالف
داغتن برنامه های اقتصادی و اجتماعی
هستند و میگویند که پیش بینی آینده
و برنامه ریزی آینده غیر ممکن است
● پاکستان یا ارسال ۲۳۰۰ تن گندم
چانرات ۵۰ هزار تن گندم را به ایران
آغاز کرد.

● معاون وزارت نفت گفت در ایشتر -

بمباران با لاشکاهای مختلف کشور ظرفیت
بالای تهیه فرآورده های نفتی از نفت
خام به ۲۵٪ کاهش یافته است. وی گفت
در حال حاضر روزانه ۲ میلیون لیتر بنزین
برای تامین مصارف داخلی وارد کشور
میشود و نفت سفید نیز جیره بندی خواهد
شد.

● رژیم جمهوری اسلامی طی قرار دادی

۵ هزار دستگاه تراکتور از یک کارخانه
آمریکایی بیاچان فیتر که در جنوب
ترکیه است خریداری نمود.

اخبار اقتصادی

● موسوی نخست وزیر جمهوری ضد خلقی
اسلامی اعلام کرد در بودجه سال جاری
۴۰ میلیارد تومان به مسائل جنگی -
اختصاص داده شده است.
● عبدالله جاسبی معاون نخست وزیر و
دبیر کل سازمان امور اناری و استخدامی
اعلام کرد در شرایطی که کشور در جنگ
بسر میبرد هیچ نوع افزایش دستمزد و
حقوقی را چه نسبت به کارمندان و چه -
کارگران به خاطر مسائل و مشکلات جنگ
نمی توانیم قبول کنیم.

چرا نشریه انجمن‌های دانشجویان مسلمان

شماره ۲۳ در علیگر هند پیش نشد؟!

بقیه از صفحه ۲۰

این نمونه برخورد مجاهدین چیزی نیست مگر همان خونمهوری بی‌بی که عمداً دچار آن است و بر اثر همین انحراف در طلب واقفیت میکنند و نمیدانیم شاید دوستان مجاهد در صدد فراموشی کرده‌اند که روز بعد از حادثه هوا داران سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران با به تحصن نخستین در شعبه سازمان ملل در دلی نو و مشول سازمان ملل را واداشتند تا نسبت به عمل زنده و مشولیت انتقال جسد رفیق را به دلی به عهده بگیرند. آنها شما به وسیله ما مطلع نشده و با ما در سازمان ملل تحصن نکردید؟ شاید هم عمداً فراموش کرده‌اید که کلیه اقدامات قانونی و تبلیغی از اولین دقایق به سرعت انجام گرفت و از نمونه‌های آن ملاقات رفقای ما با وزیر کشور هند و نمایندگان پارلمان بباور مشترک و انعکاس وسیع آن در روزنامه‌ها و مجلات هند و خیرگزاریه‌های جهان را میتوان نام برد.

ولی تمام اینها شاید از نظر دوستان مجاهد میباشد بستم فراموشی سپرده شود که اینجمن غیر مشولانه برخورد ما را به مسئله پاسپورتهایی میکنند و این روش را تا به آنها ادامه میدهند که تظاهرات مشترک ما و خونشان را در دلی نو که نیروهای هوا دار راه کارگر و چریک‌های فدائیان خلق نیز در آن شرکت داشتند و انکار میکنند. اما آنچه که بیش از هر چیز از نظر ما مهم است تکرار واقفیت که همه از چگونگی آن اطلاع دارند و بلکه افتای می است که در هر لحظه سعی دارد در جهت منافع فرصت طلبانه خود واقفیات را دگرگون ساخته و به انقلاب دمکراتیک ایران ضربه وارد آورد و برای توجیه منی غلط و انقلاب نامیمون خود که آنرا در چنین بن بست‌ی قرار داده عمکآن بجز خود را مقصر اعلام دارد. در این پروسه حتی به تاکتیک‌های چون بی هویت جلوه دادن نیروهای انقلابی و هوا داران نشان نیز متوسل شده و چنین می نویسند:

" این دانشجوی مبارز که از آرمان‌های انقلابی بنیانگذاران سازمان چریک‌های فدائیان خلق حمایت مینمود ... "

این خود چگونگی تلاشی است بی نتیجه بر این دگم که شاید با توسل به گذشته بره افتخار سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران که جدا از روند انقلابی سازمان در حال حاضر نیز نبوده و برده ساتری بر آنچه که خود میکنند و در آن بی اعتمادی بوده توده عربان است بیافکنند و عوامفریبانه بدون در نظر گرفتن روند حرکت تاراج و بطور متافیزیکی سعی در انکار پروسه تکامل دارد. تا عاید خود مقری برای حیانتان باشد. ولی چه تغییر نام یک سازمان به میل خود و یا بی هویت جلوه دادن یک شهید به اکاذیبی اینجمن هیچ یک را انگشای مجاهدین از این بن بست که هر روز بیشتر در دام آن فرو میروند نیست و اینگونه کوتاه اندیشی‌ها نه تنها راه نجات نیست بلکه جز منافع ضداً انقلاب نتیجه دیگری نمیتواند داشته باشد.

دوستان مجاهد قصد نصیحت‌های عوامانه را نداریم زیرا عمیقاً متقدیم آنچه که انحرافات را تصحیح میکنند تنها و تنها برخوردی انتقادی به خود و در پروسه مبارزه‌ای به‌گرم در جهت منافع انقلاب ایران است هر نیرویی که جز این و بی اعتقاد به توده‌ها حرکت کند و مبارزهای انقلابی را دگرگون جلوه‌گر سازد محکوم به نابودی است. آنکه رهائی را با اتکا به نیروی لایزال توده‌ها و در مسیر تکامل و نه در گرو مهره‌های پوسیده ارتجاع مبیننده با انقلاب است و گرنه چرخ‌های سنگین انقلاب هر چه غیر از این را غرد و آنها را که بر بورژوازی تکیه دارند سرنگون خواهد کرده زیرا تنها تکیه گاه انقلاب پرولتاریاست.

آری باید به انقلاب توده‌ها ایمان داشت. چنین دانشجویی را جز " لاینفک آن بشار آورد و هر ضربه در هر شکلی به چنین دانشجویی و بی اعتبار جلوه دادن آنرا ضربه به انقلاب تلقی کرد.

اتحاد - مبارزه - پیروزی

سازمان دانشجویان ایرانی در عهد هوا دار سازمان چریک‌های فدائیان شهریور ماه ۶۱
خلق ایران

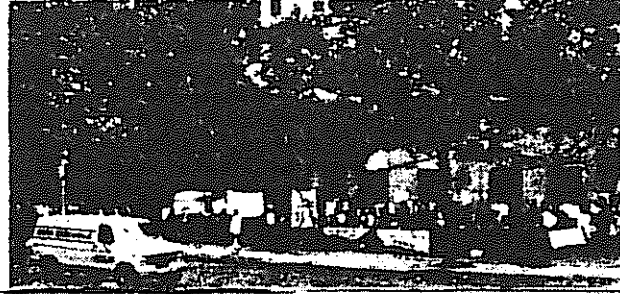
آخبار جنبش دانشجویی

تظاهرات

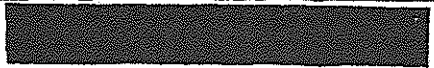
آمریکان نیویورک در تظاهراتی که در روز ۱۲ اکتبر از طرف هوا داران سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران و سایر سازمان‌های مترقی دانشجویی بمناسبت سخنرانی ولایتی در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل در برگزار گردید و بالغ بر ۱۲۰ تن شرکت نمودند. رژیم جمهوری اسلامی که چهره جنايتكارش با مبارزات درخشان دانشجویان انقلابی در خارج از کشور در انتظار جهانیان رسوا گشته، به‌مراه ولایتی مزدور و از ترس‌همده‌ای از پاسداران ضد خلقی را به‌مراه وی و جهت حفاظت از او گسیل داشته بود. همچنین رژیم بلیط بازیدکنندگان محوطه سازمان ملل را از قبل بیخ خرید کرده و در اختیار مزدوران حزب الهی خود قرار داده بود و بالاخره با تمام این اوصاف درخواست نموده بود که وقت سخنرانی مزدور خود را بنبایه مسائل امنیتی تغییر دهند که این همگی نشان نموده اوج وحشیانه ارتجاع حاکم از مبارزات دانشجویان مترقی در خارج از کشور میباشد.

با تمام این اوضاع تظاهرات فوق بی موفقیت برگزار گردید همچنین خبرنگاران مختلف از جمله بی بی سی و چندین رسانه گروهی دیگر در محصل آکسیون حضور یافته و گزارش تظاهرات فوق را تهیه نمودند. در طول تظاهرات بیانیه‌ای که حاوی افشای رژیم بی‌بسیود به تراز چندین هزار بخش گردید و در یک لحظه بهنگامی که حزب الهی مل قصد نزدیک شدن به محل تظاهرات را داشتند با فریادهای کوبنده "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی" "مرگ بر حزب اله" با بی فرار گذاشتند. آکسیون فوق در ساعت ۵ بعد از ظهر با قرائت قطعنامه‌های تظاهرات با موفقیت پایان پذیرفت.

بقیه گزارش مبارزات جنبش دانشجویی در صفحه ۲۵



عکس مقابل صحنه‌ای از تظاهرات دانشجویان مبارز را در مقابل ساختمان سازمان ملل نشان میدهد.



بقیه از صفحه ۱۲
(بهمن ماه ۵۹) در مورد مسئله زن نوشته شده است. اشاره می‌کنیم. در این مقاله پیکار با همان بینه کارگر زن خود تلاش می‌کند مسئله زن را صرفاً مسئله زنان کارگر دانسته و صحبت از مسئله عام زنان و تعکيلات نمکراتیک زنان را به نفعانه سازی طبقاتی و خدمت به بورژوازی قلمداد نماید. دید اکتونومیستی پیکار و عدم پیوند بین وظایف سیاسی استی و وظایف نمکراتیک و تقلیل هر مسئله اجتماعی به امور اقتصادی این سازمان را از برغورد صحیح به مسئله زن و جنبه نمکراتیک زنان عاجز کرده است. همانطوریکه مثلاً کومله از رابطه مبارزه ملی با مبارزه طبقاتی ترک‌نرستی ندارد پیکار نیز از ترک مسئله زنان و ارتباط دادن آن بطرز صحیح با مبارزه طبقاتی عاجز است.

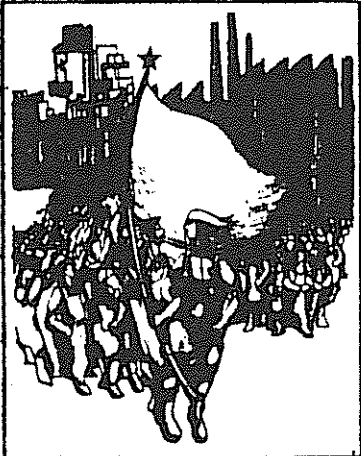
ب- در جواب آن عده که می‌گویند برای حفظ وحدت در جنبه کارگری و نیز پیوستن صفوف خلق نباید مسئله زن را نامن زد باید گفت که بطور است که ما در مورد تمام مسائل مورد اختلاف که حتی گاه جزئی تر از این مسئله است مبارزه ایندولویزیک و مبارزه سیاسی می‌کنیم و متفهم نباید در مورد اختلافات سکوت نمود ولی بر سر مسئله زن که مبرم بدلیل اینکه میان ما مثلاً مجاهدین خلق آزرده خاطر شوند و بین آنها یا سایر نیروهای انقلابی فاصله افتد باید سکوت نمود؟ غیر ما منتقدیم که مردم یکبار گول کلی بافی ها و وعده‌های خمینی را خوردند و امروز باید بسیار هوشیارانه نیروهای را که بصورت ادعای راسته آلترناتیو عفن را دارند نظیر شورای ملی مقاومت «مورد مناقه و بررسی قرار دهند» چرا که نکته‌ای که در او ان انقلاب بنان توجه نگریخت این بود که اصولاً قوانین اسلامی بطور کلی با حقوق نمکراتیک و ویژه حقوق مرد و زن تعارضاتی دارند. و این واقعیت نه تنها در اسلام خمینی و ولایت فقیه بلکه در اسلام «نقلا» مجاهدین نیز

وجود دارد. لذا جمهوری نمکراتیک اسلامی که عورای ملی مقاومت طرح میکند خود دارای تناقض‌نروتنی است و از اینرو سازمان مجاهدین خلق قادر نیست که نسبت به حقوق نمکراتیک بطور عام و تساوی مرد و زن بطور اخص مواضع مشخص بگیرد. و از اینرو از جواب دادن مستقیم به سئوالی که در مورد مسئله زن در اسلام از آنها می‌پرسد می‌رود و تنها به جوابهای کلی و ناکافی در این مورد اکتفا می‌کند. گویا نام مفهوم و مبهم بودن نظرات مجاهدین و عورای ملی مقاومت در مورد مسئله زن گریبانگیر افراد و گروههای مختلف عضو شورا نه‌سز گردیده است و باعث بوجود آمدن تناقضات و سردرگمی‌هایی در بین آنان شده است. طاقی نماینده عورای ملی مقاومت در آمریکا در سخنرانی که بمناسبت سالگرد تفکیر عورای ملی مقاومت در واغنگن ایراد کرد در مورد مسئله زنان و حجاب می‌گوید «از نظر عورا این مسئله یک امر خصوصی تلقی می‌شود و عورا نه تنها در این مورد بلکه در هیچ یک از موارد دیگر زندگی خصوصی افراد تعالشی نخواهد داشت و بی‌ظنر ما این مسائل اساساً با زور و حاکم حل نخواهد شد بلکه ما این مسائل را از طریق روش‌های آموزشی حل خواهیم کرد»

عورا بمناسبت نظرات وی را تکذیب و اعسالم نموده نظرات عورا در مورد حقوق زنان قبلاً در بندهای مختلف برنامه عورای ملی مقاومت اعلام گردیده است. با اینکه منصور فرهنگ از جمله سخنگویان و میلفین عورا در مقاله‌ای مندرج در نشریه ایران شهر شماره ۳۱ می‌نویسد: «قوانین اسلامی در مورد حقوق زن و مالکیت در اسلام در زمان تدوین پهنرو بوده‌اند ولی امروزه ارتجاعی و ظالمانه‌اند. مجاهدین نسبت به اسلام بینه تکاملی و ترقیخواهانه دارند و در تفسیر معانی آیات قرآن روشی سمبلیک یکبار می‌برند و این تنها تریاره حقوق زن نیست که بریناعت لغوی و انتزاعی از قرآن بر موانع مخبر و قهری می‌نمایند «اما نه تنها اینها ایمان بلکه هیچکدام از ستولین و حتی هواداران مجاهدین نمی‌گویند که چنین

تکاملی و ترقیخواهانه «در مورد ارت. طاقی، عهود و تفاوت و مضروب کردن و محسوس کردن و ضرورت حجاب و حد زنا و غیره که بارها از آنها در قرآن یاد می‌شود چیست؟ آنها فقط به آیه‌های قرآن اشاره میکنند که می‌گوید «عنا زن و مرد را از یک سمت واحد خلق کرده در نزد خدا امتیاز صرفاً بر مبنای ایمان است و زن و مرد در ایمان و تقوا حقوق مساوی دارند» (نقل از جر وه زن در سیر رهائی بعضی زن در قرآن از انتشارات مجاهدین).

چ- آنها که می‌گویند مسئله زن بحثی است کلنیک و همه آنرا ترک می‌کنیم و نه‌ازی به مطالعه خاص و جلسات خاصی ندارد در واقعیه



تفاقل و بی‌اعتنایی خود نسبت به این مسئله سربوس می‌گذارند. چرا که مسائل نظیر سرمایه‌داری ما مبرها هم مسئله ملی نیز بطور کلنیک بحث و روشن شده است. پس چرا هنوز که هنوز است مورد بحث و مجادله و تحقیق قرار می‌گیرند؟ متاحفانه اغلب کسانی که مدعی هستند مسئله زن را از لحاظ تئوریک فهمیده و ترک کرده‌اند خود در عمل و در برغورد به مسائل مشخص رابطه با زنان عقب‌ماندگی دانش سیاسی و لغفان ترک واقعی را نشان می‌دهند. بصورت رفتار اجتماعی اغلب این افراد مدعی کمونیست بودن (چه مرد و چه زن) هیچ تغییراتی در جهت مبارزه با سن و ارزش‌های ارتجاعی مرد سالزانه و هوونیستی دیده نمی‌شود. و چه بسا رفقای زن و یا مرد که مدعی هستند مسئله زن برای آنها حل شده ولی همچنان رفتارها و وجهه نظرها و برغوردهای سنتی بقیه در صفحه ۲۴



بلند از صفحه ۳۳
مردانه و «مردانه» را آگاهانه و بی-
آگاهانه با خود حمل میکنند.

بهر حال مسئله زن نه تنها به صرف
وجود بحث‌های کلیت‌کل تعدد است بلکه
اصولاً کلیت‌های مارکسیستی نیز در این
زمینه دارای ضعف و کمبود هستند و می‌باید
مباحث و ادبیات مارکسیست-لنینیستی را از
این لحاظ غنا و گسترش بخشد.

در آنجا که جنبش مستقل زنان را تحت این
عنوان که جنبش جنبش‌هایی در اروپا و آمریکا
غریبه بورژوازی و بورژوازی است تلقی می‌کنند
با زهم درک سطحی خود را از مسئله زن به
نمایش می‌گذارند. در جواب این عده باید
گفت که اولاً مسئله زن مثل مسئله ملی و
مسئله نژادی خاص کارگران نبوده و طبقات
مختلف را در بر می‌گیرد. اصولاً فشار

برابری زن و مرد که بسیاری از زنان حتی
زنان بورژوا را دور خود جمع می‌کند یک
خواست لیبرال-دمکراتیک و بورژوازیستی
است و خواستی است که بورژوازی در زمان
مترقی و انقلابی بودن خود طرح نمود
و ادعای اجرا و تحقق آنرا نداشت. اما این

حق برابری مانند بسیاری برابری و حقوق
بورژوازی هرگز در جوامع سرمایه‌داری بطور
کامل تحقق نیافت و هر قدر که سرمایه‌داری
به دوران گندیدگی و ارتجاعی خود نزدیکتر
شد رسالت تحقق خواسته‌های جنبشی بورژوا-

دمکراتیک از جمله برابری حقوق زن و مرد در
عهد «طبقه بهره‌ور و مترقی این عصر یعنی
پرولتاریا قرار گرفت. اگر رهبری جنبشی
زنان در آمریکا و اروپا و یا حتی
کشورهای وابسته به امپریالیسم نظیر نیلی
بسی بورژوازی افتاد بخواهد بدلیل برخورد
نا درست و غیر فعال کمونیستها به این

پتانسیل عظیم اجتماعی بوده است.
پرولتاریا و پیغامندگان طبقه کارگر
موظف هستند از جنبش‌های دمکراتیکی که
خواسته‌های طبقات مختلف زنان و با ملیت‌ها
و اقلیت‌های قومی و مذهبی را در بر می‌گیرد
حمایت فعال نمایند و تلاش کنند که در جهت
هنایت و سمت‌دهی این جنبش‌ها به طرف منافع
زحمتکشان و در جهت پیوند زدن آنها بسا

مبارزه طبقاتی گام برنارند.
در اینجا لازم است به اینها اشاره کنیم
آنسوی دیگر جریان قرار دارد نیز برخورد
عده یعنی به گروه‌هایی نظیر مارکسیست
همونیست‌ها و لنینیست‌ها و نهریاتی نظیر
انقلاب و آزادی که عمده‌ترین مسئله خود را
مسائلی نظیر مسئله زن دانسته و همچون
درک طبقاتی از این قضیه را ندارند. آنها

عملاً به نوعی «زن پرستی» و لنینیسم ضد
کمونیستی دچار بوده و در بسیاری مواضع
مواضعی ضد انقلابی گرفته و نفس مسوم و
مغرب در جنبش دمکراتیک زنان بطور خاص
و جنبش مترقی و کمونیستی بطور عام بهاری
می‌کنند. ما در عین مرزبندی با این گونه

انحرافات و در عین قبول مسئله عامی بنام
مسئله زن که می‌تواند القار و طبقات
مختلف زنان را در بر گیرد معتقد هستیم که
بورژوازی خاصه بورژوازی لیبرال تلقی دارد
با گرفتن رهبری این جنبش‌ها و با استفاده

از پتانسیل اجتماعی و سیاسی زنان و بسا
غمارهای دروغین در زمینه برابری و آزادی
سهر این جنبش را از سهر زحمتکشان و
سوسیالیسم جدا سازد. ما معتقدیم تنها در
صورت پیوند جنبش دمکراتیک با مبارزات
طبقاتی و جنبش ضد امپریالیستی-سوسیالیستی

سرمایه‌داری است که زنان می‌توانند در
جهت جاده‌های بی‌طبقه که شرط لازم و اساسی
رهائی و برابری حقوق آنان با مردان است
حرکت نمایند.

با توجه به موقعیت زنان ایران که
تحت لوای قرون وسطایی نظیر طبقه قلمرو
و قوانین مربوط به خانسواد و ازدواج
و تقویت و احیاء سن ارتجاعی و خصمانه
فئودالی بدست حکومتگران جمهوری اسلامی
عدیته به سیری تهرانی گفاده می‌شود و

با توجه به اینکه این واقعیت از یک طرف
پتانسیل مبارزاتی و مقاومت جوانان را بویژه
در زنان بهر از پهنانزونه است و از طرف
دیگر وظیفه زنان و مردان بهمانندگی را در
جهت بسیج تفکلی و سمت‌دهی این مبارزات
سنگین تر و جسی تر از گذشته نسوده است
سازمان نانجوسی ما با الهام از مبارزات
زنان زحمتکش و آگاه و تفکلی‌های دمکراتیک

و مترقی زنان در داخل ایران وظیفه خود
می‌دانیم تا در جهت تامین زدن به حرکتی
تفکلی، ترویحی و تفکلی در زمینه
مسئله زن به مثابه یکی از مسائل جنبشی
دمکراتیک- ضد امپریالیستی طبقه‌ای میهنان
القام نماید.

در این رابطه کمیته ویژه زنان
(کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک زن) جهت
فعالیت سیستماتیک و مفصل در زمینه جنبشی
دمکراتیک تفکلی و به کار خود ادامه میدهد.
این کمیته وظایف خود را در سه وجه مختلف
دنیال میکند:

۱- تلاش همه جانبه جهت جلب انظار
بهین‌الطلبی نسبت به قوانین و عملکردهای
قرون وسطایی و بنای ارتجاعی رژیم جمهوری
اسلامی علیه زنان ایران.

۲- کمیته زنان تلاش دارد تا از طریق
آموزش و سازماندهی زنان را به سازمان‌های
مترقی ایرانی جلب و فعالیت‌های آنان را
گسترش دهد.

۳- کمیته زنان کوشش دارد تا نحوه
برخورد، آگاهی و حساسیت مردان و زنان
قرون سازمان نانجوسی ما را نسبت به
مسئله زنان ارتقا داده و در جهت ایجاد
یک تفکلیات مستقل و دمکراتیک زنان حرکت
نمایند.

در اینجا قابل ذکر است که اگر چه
کمیته فوق‌الذکر در قرون تفکلی هوا ناکار یک
سازمان سیاسی خاص شکل گرفته است و در آغاز
راه حرکت خود را در چهارچوب این تفکلیات
به پیش می‌برد، لیکن سمت‌گیری آن در جهت
کمک به ایجاد یک تفکلیات دمکراتیک و مستقل
در بین زنان نیازز در خارج از کشور است.

تفکلیاتی که در عین پیوند با مبارزات طبقه
کارگر و زحمتکشان و سازمان‌های بهمانندگی آن
در ایران خود دارای استقلال سیاسی-
تفکلیاتی باشد.

بر همین اساس است که ما از کلیه زنان
و مردان آگاه و متعهد از هر گروه و سازمان
سیاسی مترقی که بمانند دعوت می‌کنیم که
برای ایجاد چنین تفکلی با ما همکاری
نمایند.



شهادت یک دانشجوی انقلابی دیگر در هند

بقيه از صفحه ۱

مانده ای چون هند و فیلیپین تلافی دارند با ناخوش و نازهای غیبی با نیروی پورعی و وحشیانه علیه انقلابیون، صدای انقلاب، صدای آزادی، و صدای افتخاری علیه بیدار دگرپها و صفائی های خمینی را در هر جای دنیا که بتوانند عطف سازند اینکوردلان جاهل با آن مغزهای متحیر و قفسری خود عاجز از درس گیری از تاریخ و درس توانستن حرکت جامعه هستند. این فالانژهای خونخوار به پیروی از آن رهبر دیوسیرتشان میهندارند که به زور سر نیزه، زندان و شکنجه، کشتار و دهمیرا را در روغ و فریب و عوام فریبی، صحتوران حرکت تاریخ را متوقف نمود و برای همیشه حق را بجز بر سلطه باطل در آورد.

جنبش دانشجویی ایران چه در داخل چه در خارج از کشور همواره پیمای مدک مبارزات ضد ارتجاعی و ضد استبداد است. گریما بزرگ دانشجویان مترقی در خارج از کشور هم خود را برای افتخار رژیم منقور بهلولی در نظر رجاها نیسان انا نمود. امروز نیز جنبش دانشجویی در خارج استوار و خستگی ناپذیر علیه ارتجاع حاکم پها عا شده است.



گروهی از تظاهرات ۲۰۰۰ نفری در حیدرآباد

بگذا ر در راه تا پودی نظام ضلای کونین جنبش دانشجویی سوتین عهد خود را در خارج از کشور تقدیم زحمتکشان وطن نماید. بگذا رهون پشایک با طرخ میخانی ط، مبرام میرا این خط میرا رجاها ها، پرجم جنبش رجا عی، ضلای میرا لیبینی دانشجویان در خارج از کشور را گنگوند تر نیصاید تاریخ با زهم نشان خواهد بود که خون ایمن پاک با خشتگان را آرزوی و کونینم، بی شیبی نمی ماند. خون پاک شهیدان ما نشان ایسیریه انقلابی را آبیاری میکند. خلق با رژیم پها صحر و جمهوری اسلامی و خمینی ها را بمقتضای نایبانی که عا ترا اکتند، بر تالی خواهد کرد.

در زیر عمر کوتاهی از چگونگی شهادت امیر احمد آر به نعل از گزارش رفقای هواداران سازمان در هند آورده میشود.
در تظاهراتی که «کمیته همبستگی برای حقوق بشر در ایران» برنامه ریزی کرده بود سازمان دانشجویان ایرانی در هند - بنگلور هواداران سازمان چریکی فدائی خلق ایران و تمام نیروهای مترقی ایرانی مخالف رژیم جمهوری اسلامی و برخی از نیروهای هندی در شهر بنگلور حرکت کردند. انجام ایمن راهپیمایی به نمانه اعتراض علیه اختناق سرکوب و کشتار در ایران بود.

تظاهرات در تاریخ ۸۲/۹/۲۹ در ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر با شمارهایی چون «دکجه اعتماد» کشتار را در ایران متوقف کنیده و نمانه انبساطی را رها کنیده، شروع شد. در زمانیکه تظاهرکنندگان هنوز بیسی از چند صد متر نپیموده بودند بیسی از ۲۰۰ تن از فالانژها که چند دقیقه قبل از شروع تظاهرات با دو اتوبوس وارد محل شده و بهت نیروهای مست راست عیایان مخفی شده بودند از بهت صرف تظاهرکنندگان را مورد حمله قرار دادند. آنها مسلح به چاقوه قمه و زنجیر بودند. همزمان با این حمله تعدادی در حدود ۱۰۰ الی ۲۰۰ تن فالانژ از بهت نیروهای مست جب عیایان شروع به برتاب سنگهای نزهت کردند.

کمیته ایلا از طرف پلیس اجازه راه - پیمایی گرفته بوده ولی تعداد افراد پلیس برای صاف نگه داشتن معمود بوده و پلیس معمول مجهز به تجهیزات لازم نبود. پلیس در ابتدای درگیری تا پس از گشت تقریباً ۱۰ دقیقه هیچگونه عکس العملی جهت جلو گیری از درگیری از خود نشان نداد. نیروهای هندی حمله مبارزه را ترک کردند. ما طبق درخواست شرانه «کمیته» هیچگونه اسلحه ای همراه نداشتیم. عا به نمانه از گشت ۱۰ دقیقه از این درگیری نابینا بیره با تالی پلیس و ملیک گان آگ آور فالانژها عقب کشیده

در این درگیری يك تن از هواداران سازمان بهکار (جناح انقلابی) به نام عبدالله امیر راهنار در اثر زخم چاقو که ۲ اینچ عمق داشت و کلیه، تی و طحال وی را باره کرده بوده شهید شد و عده زیادی مجروح شدند که از میان آنها ۶ تن از هواداران سازمان چریکی فدائی خلق ایران يك تن از هواداران چریکی فدائی خلق و يك تن از هواداران سازمان بهکار (جناح کمیته مرکزی) و دو تن از هواداران مجاهدین در بیمارستان بستری شدند.



گروهی از تظاهرات ۲۰۰۰ نفری در حیدرآباد

بدنیال شهادت امیر راهنار، در صبح روز ۸۲/۱۰/۱ تعداد ۲۰ تن از هواداران سازمان چریکی فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران در نعلی نو در مقابل وزارت امور خارجه به نمانه اعتراض علیه تروریستی های مائزاتی رژیم خمینی مرتجع خود را به ستونی زنجیر کردند و با شمارهایی چون «مرگ بر خمینی ما خواهان محاکمه قاتلین هستیم» توجه مردم را بسوی خود جلب نمودند. پس از مسدود کوتاهی پلیس آنها را روانه بازداشتگاه و از آنجا به دادگاه برده و سه ساعت بعد از ظهر آزاد نمود.

در همین رابطه در بمبئی يك حرکت نمایانی انجام گرفت که مدت ۲ روز بطول انجام شد. در حیدرآباد نیز تظاهراتی با حرکت و همگاری تومزار تن از زحمتکشان این شهر برگزار گردید. بقیه در صفحه ۶



امتحان اپیدئولوژی یا...

بنده از صفحه ۳۲ رژیم خمینی اجازه انامه تحصیل آنها را بدهد. رژیم دانشجویانی را که بخواهند

از ارزش تحصیلی استفاده کنند ملزم به "موفقیّت در امتحان کتبی اپیدئولوژی" است. "موفقیّت در امتحان کتبی اپیدئولوژی" مفهومی ندارد جز سرفرود آوردن در برابر سلطه ارتجاعی آنها و سکوت در برابر جنایات بی سابقه آنها و حمایت از اربابان و قسّه بدستان در سرکوب انقلابیون و بالخصوص دفاع از "ولایت فقیه" یعنی فلسفه جویان و گله و حکومت جهل و نادانی. در يك کلام سهیم شدن در به قهقرا کشیدن کلبه عشقون اقتصاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه کسّه سرمداران رژیم جمهوری اسلامی برچمنار آن هستند. سند فوق نشان میدهد که چگونه رژیم از نیاز دانشجویان به ارزش تحصیلی سو استفاده میکند تا عاید از این طریق عدهای را وادار به تسلیم در مقابل سیاستهای خود نماید.

با سخ دانشجویان آگاه و متمهّد به اینگونه عیوه های ارتجاعی روغن است. - سازمان دادن مبارزه ای هرچه ناطعتر علیه رژیم و سازندگان اینگونه قوانین ارتجاعی دانشجویان هرگز نباید در مقابل این سبه ها تسلیم شوند چرا که نه سرفرود آوردن به خواستهای ارتجاعی رژیم بلکه قدم نهادن در جهت نابودی کل سیستم حاکم است که عریضت تحصیل دانشجویان همسویان سایر مسائل از زهر بیخ استبداد السار گسیخته رها میگردد.

از کلبه دانشجویان متمهّد و مترقی میخواهیم که با انقای اینگونه سبه های رژیم در سطح عام با عیوههای ترور فکری ملایان مقابله کرده بجای حرکت در امتحان رذالت رژیم در امتحان مبارزه هرچه ناطع تر علیه آن حرکت جویند.



مركز گفتری جمهوری اسلامی ایران
چهارم تیرماه

شماره

تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۱

پیوست

بسمه تعالی

اطلاعیه

بسمه تعالی بطور خلاصه در این اطلاعیه که به تاریخ ۰۹/۲/۱۰ از ابراهیم خان شده و قبل از تاریخ ۱۳۰۱/۱۱/۱ وارد دانشگاه شد دانشجو در وزارت فرهنگ و آموزش عالی که در آن وقت قسطنطنیه در صورت شرکت و موفقیّت در امتحان کتبی اپیدئولوژی که تا پایان سال جاری هر دو هفته یکبار انجام میگردد میتواند از مزایای ارزش تحصیلی استفاده نماید. در هر حال اینگونه دانشجویان گمان میکنند از مزایای خرج تحصیل استفاده نکنند.

مركز گفتری جمهوری اسلامی ایران

چهارم تیرماه

لیست پیامهای رسیده به دومین کنگره سرتاسری

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا
هوادار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران

- ۱- سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران
- ۲- کمیته برای فلسطین دموکراتیک
- ۳- کمیته همبستگی فارابونندو مارتی (نیویورک) عضو کارا سالوادور
- ۴- اتحادیه دموکراتیک فیلیپینها
- ۵- حزب انقلابی تمام خلق افریقا
- ۶- انجمن همبستگی آمریکای لاتین و جزایر کارائیب
- ۷- جنبش آزادی ملی جورتوریکو ()
- ۸- هواداران راه انقلابی ترکیه
- ۹- اتحادیه کارگران انقلابی در ایالات متحده
- ۱۰- حزب کارگران کمونیست در ایالات متحده
- ۱۱- کمیته همبستگی با خلق با سالوادور (ا و گلنده، سانفرانسیسکو و برکلی)
- ۱۲- مانتلی رویو
- ۱۳- کمیسیون بین المللی
- ۱۴- هفته نامه گاردین
- ۱۵- نیروهای مترقی فلسطین در ایالات متحده (میامی)
- ۱۶- اتحادیه دانشجویان فلسطین (رالی)
- ۱۷- گروه تحقیقی مارکیست - لنینیست (میامی)
- ۱۸- کمیته همبستگی فارابونندو مارتی (لوس آنجلس) عضو کارا سالوادور
- ۱۹- خانه خیلی (casa chile)
- ۲۰- مرکز فرهنگی و خیری گواتمالا
- ۲۱- اتحادیه دانشجویان کرد (فلورینا)
- ۲۲- انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه (هوادار حیفخا)
- ۲۳- سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا (هوادار حیفخا)
- ۲۴- سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان (هوادار حیفخا)



مروزی بر جمعیت‌های ریفین جزئی

بقیه از صفحه ۱۰
دو زمینه قابل بحث است یکی سیستم تولیدی در روستا در مرحله گذار و دیگری کیفیت استثمار بورژوازی در مرحله گذار. وی میگوید قبل از رفرم ارضی نزدیک به ۳۰٪ اراضی زیر کشت در ایران در دست خرده مالکان بود و پس از رفرم ارضی در قلمرو روستائی ایران هنوز تولید سرمایه ناری نرمد کوچکی از جمعیت روستائی را در بر میگردد و از طرف دیگر رفرم ارضی نزدیک به دو میلیون خانسوار خرده مالک بوجود آورد و بدین ترتیب در قلمرو غیر سرمایه ناری کشاورزی ایران دو قشر وسیع وجود یارند خرده مالکان (اعم از قدیم و جدید) و دهقانان فقیر بی زمین (خوش نشین) - ولی خرده مالکان وسیع ترین قشر دهقانان ایران به شمار میروند. موقعیت خرده مالکان در چهار قشر بشکل زیر تفریح میشود:

۱- قشر اول دهقانان یا کشاورزان مرفه که زمین زیاد دارند و خود آنها روی زمین کار نمیکند و زمین خود را از طریق اجاره مطلق اداره میکنند و در بعضی موارد این مالکین کوچک دهقانان فقیر را اجیر میکنند اینها مرفه ترین قشر خرده مالکان هستند و اغلب آنها مالکیت کوچک قبیل از رفرم ارضی بشمار میروند.

۲- قشر دوم یا تین تر از قشر اول و آن عده از خرده مالکان هستند که خود و خانواده شان روی زمین کار میکنند و در عین حال وسعت اراضی شان به آنها اجازه میدهد تا از نیروی کار خانواده فقیر دیگری نیز استفاده کنند در اینجا سیستم تولید خانوادگی با استثمار محدود دیگران ترکیب میشود.

۳- قشر سوم بعضی وسیعی از خرده مالکان جدید هستند که تنها از طریق تولید خانوادگی اراضی خود را کشت میکنند.

۴- و بالاخره قشر چهارم خرده مالکانی هستند که کوچکی زمین تقسیم شده شان کفاف زندگی خانوادگی را نمیدهد و یا قادر به استفاده از زمین خود نیستند و ناچارند زمین خود را در اختیار دیگری قرار دهند و یا علاوه بر کار روی زمین خود با کار روزمزد یا فصلی روی اراضی دیگران زندگی خود را تأمین کنند.

از میان این چهار قشر از نظر جزئی انقشار دوم و سوم اکثریت خرده مالکان را تشکیل میدهند یعنی این دو قشر مجموعاً وسیع ترین انقشار دهقانان ایران

را تشکیل می دهند. بقا بر این از دیدگاه جزئی آنچه که با الفا فئودالیم در سطح

وسیعی از قلمرو فئودالها جانشین عسده همین سیستم خرده مالکی و تولید خانوادگی

است. وی عقیده دارد که برای هجوم سرمایه ناری به سیستم تولید خانوادگی و مالکیت کوچک ارضی یک فرصت طولانی ضروری است. این مرحله گذار یک دوره کوتاه نخواهد بود. او در این بحث دو واقعت را میبیند یکی اینکه دهقانان ایران اکنون عمدتاً از خرده مالکان و هم دهقانان فقیر و بی زمین تشکیل شده اند و با الفا فئودالیم وحدت طبقاتی خود را از دست داده اند و تبدیل به یک نیمه طبقه شده اند. واقعت دیگر این است که دهقانان با استثمار بورژوازی روبرو هستند. آنها تضادی ساده (فئودال - دهقان) را از دست داده و در برابر تضادی پیچیده قرار گرفته اند. بدین معنی که رفرم نیازها و خواسته های این قشر را افزایش داده در حالیکه نتوانست تطبیح زندگی آنها را متناسب با این خواسته ها افزایش دهد. آنها در حالی که با استثمار غیر مستقیم و ناآشکاری روبرو هستند یعنی دیگر ارباب و مباحر او را بالاسر خود نمی بینند ولی احساس میکنند که از هر طرف و به وسائلی نامرئی غارت میشوند.

رفیق جزئی آنگاه کیفیت استثمار بورژوازی در این مرحله را به شکل زیر تشریح میکند. استثمار بورژوازی جانشین استثمار فئودال - بورژواها شده است. بدین معنی که بسا الفا فئودالیم، زمینه برای رشد استثمار بورژوازی فراهم آمده و استثمار خارجی نیز از طریق بورژوازی کمپرادو بطور غیر مستقیم بدوین دهقانان گذارنده عده است او میگوید که این استثمار در دو مرحله تولید و مبادله از جانب قشر های مختلف بورژوازی کمپرادو انجام می پذیرد و به تفریح آن میپردازد.

چهارمین صلت عسده سرمایه ناری وابسته ایران است. شکل گرفتن جامعه اقلیت مصرف کننده بمثابه مکمل سیستم اقتصادی و بایگه فرهنگی - استثمار نو:

ریفین جزئی با شروع این اصل از نگری مادی از تاریخ که در هر سیستم تولیدی و در هر فرامسجون اجتماعی - اقتصادی طبقاتی و بعضی کوچکی از کل جمعیت سهمی از تولید را بعود اختصاص میدهد مطرح میکند که در سیستم سرمایه ناری وابسته بعضی کوچکی (۳٪ در برابر کل جمعیت) جامعه ای را بصورت یک اقلیت مرکب از بورژوازی بزرگ و کوچک

و قشر مرفه خرده بورژوازی تشکیل میدهند. وی آنها را بدین صورت برمی شمارد:

سرمایه داران بزرگ و قشر بالایی دستگاه اداری و نظامی سرمایه داران کوچک و کارمندان و متخصصین عالیرتبه بخش دولتی و خصوصی و قشر اداری دستگاه منتهی صاحبان مشاغل آزاد و پیر درآمد مثل پزشکان و حقوق دانان و واسطه های تجارت و هنرمندان و نویسندگان.

ویژگیهای این جامعه این است که میزان مصرف (چه مستقیم از قبیل درآمد مصرفی خانواده و چه غیر مستقیم از قبیل استفاده از تأسیسات و امکانات کشور) این جامعه نسبت به قشرهای میانی بسیار بالاست و نوع مصرف آنهاهم بدین است که نتیجه طبیعی رشد سرمایه ناری وابسته است. جزئی با مراجعه به آمار میگوید این جامعه بهی از ۳۰٪ کل درآمد ملی کشور را مصرف میکند و این صرف نظر از استثمار تراکم یافته تر آنها بصورت سرمایه است از سوی دیگر بر اثر شرایط مادی زندگی خود این جامعه از نظر شرایط معنوی و فکری نیز دارای فرهنگ و ویژگیهای است جزئی میگوید فرهنگ این جامعه ترکیب نامتجانسی است از فرهنگ حاکم متروپول و بازمانده فرهنگ فئودالها و بورژواهای بومی و آنرا فرهنگ بورژوازی کمپرادو مینامد. جزئی نقش این جامعه را در بخش اقتصادی تکمیل کننده سیستم میبیند. حلقه ای برای تولید صنعتی وابسته و واردات کالاهای پیچیده.

خارجی. ضرورت موجودیت این جامعه را وی اینطور بیان میکند که اساساً حیات سیستم سرمایه ناری وابسته از نظر اقتصادی درگرو موجودیت اقشاری از جامعه است که مازاد بر مصرف زیست خود درآمد ناگفته باشند تا به معارف دیگر برسانند که در غیر اینصورت یعنی با به اصطلاح توزیع عادلانه ثروت، سیستم سرمایه ناری وابسته قادر به ادامه حیات نخواهد بود. جزئی نقش اجتماعی سیاسی این جامعه را نیز معرفی میکند. او میگوید که فرهنگ نو استماری در این جامعه نفوذ میکند و این جامعه را از بخش اکثریت مردم جدا میکند و بدین ترتیب مسائل این جامعه از مسائل قاطبه مردم جدا میشود. این جامعه اساساً دیگر توده های وطن خود را نمی شناسد و به اصطلاح با امواج جوامع متروپول به حرکت در میاید. پیش بینی جزئی این است که بعضی قابل توجهی از این جامعه نه در کوتاه مدت، بلکه در یک مدت طولانی زمینه این را دارد که بمثابه بایگه سیاسی رژیم عمل کند. از سوی دیگر روی دیگر مسئله را جزئی میبیند: این بقیه در صفحه ۲۰

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دگرایی جدا نیست



پیام سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران - آذربایجان

بمدوان نماینده بعضی از طبقه کارگر و فلسطینی مبارز آذربایجان بار دیگر با ابراز میمانندس ترین درونهای انقلابی و محبت ترین همبستگی خود را با خلق قهرمان کردو کلیه همسرگه‌های انقلابی که در مبارزه‌ای عادلانه علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم بیکار نمیکنند اعلام میدارد رفقا و دوستان همسرگه‌های قهرمان:

حماسه مقاومت و پایداری شما در بیجا بهی خلق زحمتکش کرد در چهارچوب مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران با لاشی طلی سه سال گذشته یعنی از ۲۸ مرداد ۵۸ تاکنون نه تنها اراده خلق زحمتکش و پیران کرد را بر راه کسب حقوق مسلم خود یعنی حق تعیین سرنوشت استوارتر کرده است بلکه همچون در مبارزه و مقاومت و آگاهی تمامی خلقهای تحت‌تسم ایران و در رأس آن طبقه کارگر مبنمان نسبت به اهداف جنبی مقاومت خلق کرد نقش بسزائی داشته است.

امروز نزدیک به چهار سال است که رژیم ضد خلقی حاکم در جهت بلایس گرفتن دستا وردهای قیام خونین بهمن ماه و بازسازی سیستم وابسته طبقه کارگر و خلقهای تحت‌تسم را آماج غیر انسانی ترین حملات خود قرار داده است طلی این مدت بر اثر سیاستهای ضد خلقی رژیم غارت و جیا ول دسترنج خلق ما توسط

تجاره سرمایه نارآن صنعتی و انحصارات امپریالیستی نسبت به هر زمان دیگر افزایش یافته جنگ و بیکاری و تورم لجام گشخته و شکنجه و کشتار زندگی میلیون ها انسان را به تباهی کشیده و بیخ از بکال است که قمعایعانه های رژیم خمینی جلد برای سرکوب انقلاب و کشتار فرزندان خلق به آشکارترین وجهی بکار افتاده است

اما تجربه نشان داده است که نه فرمانهای قتلر منشا نه خمینی مبنی بر یورش به کردستان و کشتار خلق قهرمان کرده نه اخراج دستگیری و زندانسی ده ها هزار نفر نه اعدای مای بسته - جمعی و نه انواع فشارهای سیاسی و اقتصادی و نه تبلیغات گویخراش رژیم هیچیک نتوانسته است خلقهای قهرمان مبنمان را از مبارزه علیه رژیم حاکم باز یارد و علیرغم اعمال فاجعستویرین شیوه‌های سرکوب از جانب رژیم حاکم خلق کرد همچنان به مبارزه انامه مینده کارگران و زحمتکشان دست به اعتصاب و اعتراض میزنند زنن و سایر زحمتکشان در راه بهروزی خلق و به بیروزی رسانیدن قلمی انقلاب بمیسفان مبارزه کشیده میشوند و علیرغم جسو خفقان حاکم فرزندان انقلابی خلق کارگران و زحمتکشان بیخ از هر زمان دیگر و این بار با اهداف روشن و بزیبر پرجم خونین مبارزه کرد آمده و با کسب تجربیات باز هم تازه تری خود

را برای نبرد نهائی آماده میکنند درستی بهمین خاطر است که تمامی امپریالیستها بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و فارتگران داخلی تلاش میکنند تا با اعمال سیاستهای توطئه آمیز از حمله ایجاد جنگ و تداوم آن و با بکار گیری ارگانهای تبلیغاتی و کمپنهای مادی و تبلیغاتی نهائو آشکار سرکوبی جنین و شکست انقلاب را بتوسط مترجمین حاکم عملی سازند هر واضح است که در بهی برد جدمین سیاسی امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلانی تنها نبوده و احزاب و سازمانهای سازشکاری نظیر حزب توده و اکثریت نیز با خیانت به خلق و حمایت از سیاستهای ارتجاعی رژیم در خدمت سیاستهای فوق قرار گرفته اند اما کوران مبارزه و آتش سهمگین انقلاب تمامی این توطئه ها را نقض بر آب کرده خائنین را رسوا نموده و همچنان به بهی خواهد رفت

از جمله تا کنکهای رسوا شده رژیم که در تدارک یورش دیگری به کردستان است ایجاد اختلاف بین خلقهای تحت‌تسم کرد و اکثریت تلاش فراوان کرده و میکند تا با خرج میلیونها تومان و با بکارگیری خائنین بخلق ما واکهای قدیم و جدیده جاسوسان و آفوندهای دست پرورده ساواک و سیا و با ایجاد درگیریهای تصمی اقتدار نا آگاه خلق ستمدیده آذربایجان را در خدمت هدف فوق بکار گیرد بقیه در صفحه ۲۹

کدهای کمکهای مالی ارسال شده (مبلغ به دلار)

آمریکا	آرژانتین	کوبا	کلمبیا	کانادا	دانمارک	آلمان غربی	سوئد	سوئیس	هلند	بلژیک	اینگلند	فرانس	ایتالیا	ژاپن	آسیا	استرالیا	سوئد	سوئیس	هلند	بلژیک	اینگلند	فرانس	ایتالیا	ژاپن	آسیا	استرالیا																						
رحمت طالب نژاد	۱۰۰	کپان - آنا و	۵۰	آنتون	۱۰۰	برمن - سوندانا	۷۵	لندن	۳۰	ویلر	۲۰۰	عمده چاپخانه	۲۰۰	کنگره - کپان	۱۰۰	هوستون	۱۰۰	ل - ۳۷۵	۲۵۰	عمیادگر	۵۰	مالی	۱۸۰	سوزگات تاون	۲۱	خواب - آکلندا	۲۰۰	مخا - آرژ	۴۰	پسین	۳۸۰	نی - ی	۳۷۰	تویپورک	۵۵	ح - ۱۶	۲۰۰	مخا - آرژ	۴۶	پا ایلر - ۳۷	۱۱۲/۳۵	۵۰	ی	۴۰	سن لوتیس	۲۰۰	میراد تورینو	۳۰



پ پیام

بهین منظور وسیع ترین تبلیغات را همراه با وحدتانه ترین شیوه های سرکوب علیه خلق ما و فرزندان انقلابی آن با لاکسما سازمان ما که در پی افتا گریه های بیامان خود در منطقه توطئه های رژیم را یکی پس از دیگری غنشی می سازده بکار میگیرد. ارتجاع حاکم نه میخواهد و نه میتواند درک کند که پیوندهای ناگسستی خلق ستمدیده کرد و آذری به تاریخ مبارزات خونین و پر شکوه آنها بر میگردد که در پی اهداف مشترک توده های محروم دو خلق برادر در چهار چوب مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران و با پشتوانه ده ها سال مبارزه مشترک در میدان نبرد - های حماسه آفرین بر علیه ظلم و استثمار و ستم ملی در خون ده ها هزار شهید بخون خفته منجلی میگردد آری بیمان برانری گستاخ پذیر خلقهای کرد و آذری با خون هزاران انسان آزاده و انقلابی کسه در سخت ترین شرایط حاکمیت دیکتاتورها برچم مبارزه از از زاگرس تا سیلان به اهتزاز در آورده اند نوشته شده است امروز فرزندان انقلابی خلق آذربایجان در زیر ستم شدید ترین فتنه های دیکتاتوری و ترس - کارخانجات، محلات و روستاها در صفوف بهم فشرده سازمان ما ضمن پیشبرد وظائف مبارزاتی خود فدائی وار و جان بر کف اخبار جنبش مقاومت کرستان را شهر به شهر روستا به روستا و کوجه به کوجه بگوش توده های محروم می رسانند و در - این راه ضربات متعدده زندان، شکنجه و شهادت نتوانسته است خللی در عزم راسخ

و اراده پولادین ما بوجود آورد. و عدم شرکت توده های آذربایجان در تظاهرات و میتینگهای فرمایشی رژیم علیه جنبش مقاومت خلق کرد و همکاری صمیمانه اهالی شهرها و روستاهای هم مرز کرستان با بهشمرگه های انقلابی خود بهترین گواه درک عمیق همبستگی و همدردی خلق قهرمان آذربایجان با توده های زحمتکش کرستان محسوب میگردد که تا حد زیادی نتیجه مبارزات بی گهر و افتا گریه های بیامان سازمان ما علیه رژیم حاکم است.

رفقا و دوستان، بهشمرگه های انقلابی:

ما بخود می بالیم که رفقای سازمان ما در کرستان، بطیرغم حیانت انفعالیون اکثریت نزدیک به چهار سال است که با شجاعت کم نظیر و ایمانی استوار دوش بدوش خلق قهرمان کرده مبارزه علیه رژیم حاکم ادامه داده اند و این جزئی از وظیفه انقلابی سازمان ما بعنوان یک سازمان مارکسیست - لنینیست سراسری محسوب میشود که در جهت تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش برقراری جمهوری دموکراتیک خلق و رسیدن بیک دموکراسی بی گهر و پایدار که در آن حق تعیین سرنوشت ملل از جمله خلق کرد بعنوان - یک عامل مسلم برسمیت شناخته خواهد شد مبارزه میکند.

ما یکبار دیگر ضمن ستایش از مبارزات پر خور و بی وقفه خلق کرد در امر اجرای سیاست سازمان مبتنی بر اتحاد و همکاری همه نیروهای انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی از سازمانها

و احزاب انقلابی کرستان دعوت میکنیم تا بمنظور ایجاد یک جبهه واحد توده ای در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق حوال برنامه عمل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در آن حق تعیین سرنوشت برای تمام ملیت های تحت ستم ایران با صراحت تمام برسمیت شناخته شده است متحد شوند. بگذار از اتحاد عمل ما نمانسی - امپریالیستها بسرکردگی امپریالیسم آمریکا رژیم غمینی جلا و تمام مرتجعین بزخسود بپرزند.

اتحاد عمل نیروهای انقلابی و مترقی ضامن پیروزی خلقهای ایران و عامل شکست دشمنان خلق است.

هر چه مستحکم تر باد پیوند مبارزاتی خلقهای تحت ستم ایران

هر چه مستحکم تر باد پیوند مبارزاتی خلقهای کرد و آذربایجان

پیروز باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

مرگ بر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

زنده باد بهشمرگه های قهرمان خلق کرد

سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران - آذربایجان

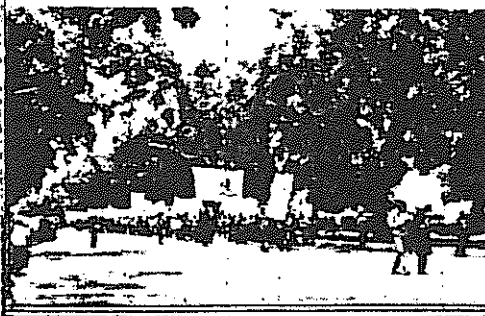
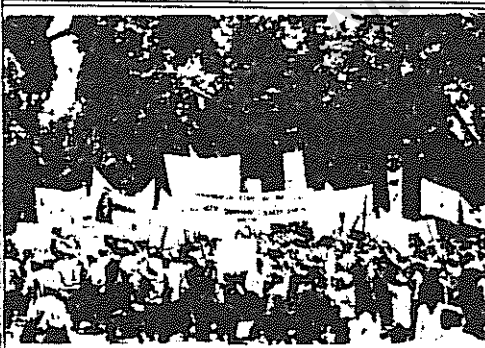
۶۶/۵/۲۸

سخنه ها ئی از تظاهرات رفقای هوا یا ارونا ننجویان مبارز در مقابل سفارت رژیم چنا بتکا جمهوری اسلامی در هوند.

اخبار اقتصادی

یکی از فرستادگان (نمایندگان) - مخصوص خمینی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که ایران بر آنست قرارداد خرید زیر دریایی از یک کارخانه کشتی سازی آلمانی را کسه بعد از سقوط شاه ملفی اعلام گردید از سر بگیرد. مادی طباطبائی نماینده خمینی طی مصاحبه ای با اشپیگل گفت که مذاکرات سیاسی به قصد احیای روابط تجاری بسیاری خرید ۶ زیر دریایی صورت گرفته است. دولت شاه سفارش خرید این زیر دریایی ها را که هزینه آنها تعداد ۲۹۲/۱ میلیون دلار - است به کارخانه Howaldswerke Deutsche Werft که یکی از کارخانه های بزرگ کشتی سازی واقع در Kiel است داده بود.

حسین کاظم بیور اردبیلی معاون - وزارت امور خارجه در ۴ سورا اقتصادی و بین المللی طی مصاحبه ای گفت از کل واردات کالاهای مختلف به ایران ۶۷٪ از غرب، ۲۴٪ از بلوک شرقی و ۱۸٪ از نیز از کشورهای تخیان سوم و اسلامی تامین میگردد. مجله "میدل ایستچاپ لندن نوشت که طی مذاکراتی که بدست آمده، رژیم جمهوری اسلامی نفت از ژان به اسرائیل فروخته است. این خبر مورد تأیید کمپانی مارونیت در بهروت و کمیانی شل در ایتالیا قرار گرفت. رژیم سوئدان اعلام کرد که بیه عراقی در جدگ با رژیم جمهوری اسلامی کمک مینماید و سرایان خود را به جبهه های جنگ اعزام مینماید.





میشنویم که نهی خواهی دیگر با ما کار کنی

میشنویم: که نمیخواهی دیگر با ما کار کنی
تو مضمحل و دیگر نمیتوانی فعالیت کنی
تو بسیار خسته ای دیگر نمیتوانی بیاموزی
از دست رفتنهای
نمیتوان از تو انتظار داشت که هنوز کاری
انجام دهی

بی‌بشسو
چه مقرر باشی و چه نباشی
اگر نتوانی مبارزه کنی از بین خواهی رفت
* * *
میگویی
مدت درازی امید بسته بودی دیگر نمیتوانی
امیدوار باشی

به چه امید بسته بودی
که مبارزه ساده است؟
اینچنین نیست
وضع ما مشکلتر از آنست که تو پنداشتت
وضع چنین است
اگر ما نتوانیم با قدرت فوق بفری عمل
کنیم
از دست میرویم
اگر نتوانیم آنچنان کنیم که هیچکس
نمیتواند حتی از ما انتظار آنرا
ناشته باشد

نا بود میگویم
دشمنان ما انتظار میکنند
که خسته شویم
هنگام شدیدترین حد نبرد
رزمندگان از همیشه خسته ترند
آن رزمندگانی که بیفتن خسته اند
بازندگان صحنه نبرند
برشت

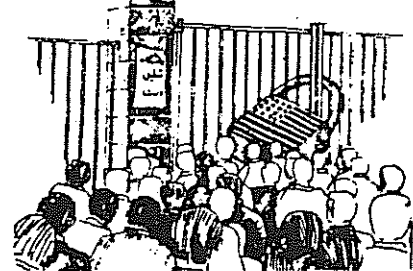


پس بدان
ما از تو انتظار داریم
* * *
و تویی که خسته ای و بخواب میروی
هیچکس بیدارت نمیکند و نمیگوید
پر خیز غذا آماده است
چرا باید غذا آماده باشد؟
اگر نتوانی فعالیت کنی
براز کنی باقی خواهی ماند
هیچکس به جستجویت نخواهد پرداخت که
انقلاب شده است
کارخانه‌ها انتظار ترا میکنند
چرا باید انقلاب شده باشد؟
اگر مردی آنان بباکت میسپزند
چه مقرر باشی بر حرکت و چه نباشی
* * *
میگویی مدت درازی
مبارزه کرده ای دیگر نمیتوانی
مبارزه کنی

ارتجاع را در هم نوشت
اما غاصبان قیام به تذکوه خلق
ستاوردنهای قیام را به چهار میخ کشیدند
ستاد را بستند ستاد رزمنده خلق را
و فدائیان و دانشجویان را همراه با
مبارزان دیگر به چوبه های اعدا سپردند
تذکر بر تو باد بنی صدر که در خدمت
ارتجاع مبارزات دانشجویان را بگاغ و خون
نشانندی و با "انقلاب فرهنگی" ات سنگسار
آزادی را به بند کشیدی اما آن جمهوری
اسلامی که سنگسار را میخواستن بسینه میزنی
و تولدش را با بستن دانشگاه نوید دادی
جنبشی است که در زندان مرده است
مرگ بر تو باد خمینی که در جلادی
سلاحی جوانان میهن گوی سبقت را از
دینکنا ورهای خونخواری چون محمد رضا پهلوی
ربودی و تحجره قهرت و مکتب خانه های
قرون وسطائی را بجای دانشگاهها نشانندی
و جوانان را از عرصه نبرد واقعی با
امپریالیسم ارتجاع ماستعمار و عقب
ماندگی به جبهه های جنگ بی حاصل و
خانمانسوز با عراق از سوئی و جنگ
برادر کشی علیه خلق تعدیده کرده از
سوی دیگر کشتندی

مرگ بر تو و تمام همپالگی های
مرتجعت که بجای کشودن در دانشگاه ها و
منازعی بر روی فرزندان زحمتکشان زندانها
سه ساخته را از دانشجویان دانش آموزان
و هزاران مرد و زن مبارز و زحمتکش منلو
کرده ای
مرگ بر تو و جمهوری سیاه اسلامیت
باد تاریخ ترا نیز در همان زیاده دانی
که شاه را افکنده جای خواهد داد و
جمهوری دموکراتیک توده ها را بر خرابه
های ولایت فقیه برپا خواهد کرد!

یورش به دانشگاهها



انقلابی میهنمان بوده ها نرهم آنر
نیز سرآغازی بر جنبش یا پدار دانشجویی
است و راستی که این دو چه همگون و
هم آرمان با هم نر آمیختند و دقتی
نویس در فرهنگ نستوه ستیز خلقها پیمان
گودند
در آستان قیام فریاد خونین سازمان
از حنجره زخمین دانشگاه برخاست و
فلات منقلب را به مبارزه ای خونین تر
فراخواند همه روزهای دانشجویان و
دانی آموزان شانزدهم آنر عد و سیزدهم
آبان از خون قندی هزاران قندی دیگر
روئید از هر تبسم رضوی هزاران رضوی
جوانه زد و از هر تنفس بزرگنیا هزاران
هزار بزرگنیا برآمد و اینه رستاخیز
خلق را هر چه بیشتر توان بختید تا تومار

آبان سیه تن ... بقیه از صفد ۲۲
دوستان حریق و از خاندان استوار
آزادی رزمندگانی از نسل انسان که
گامی در فلسطین نارتند و گامی دیگر
در السوادور و نیضان در کرستان
میتهد رزمندگانی که بهار و برابری
را نوید میدادند و با پرویت و استعمار
بی ستیز بندند
آنان به تن بودند و با آمیزه ای
خون سنگر آزادی را خشتی استوار نهادند
و بروزگاران بر آن خشتی سکوهمند
پدید آمد که با الیز پهلوی زدند
هر خاطرهای انقلاب و مبارزه ای خلق ایران
نقشهای ماندگار بسیار است اما نقش
آذر از ماندگارترینان است اگر
رستاخیز سیاهکن دنیاچه ای بر جنبشی



اشیاء بین المللی سالوادور

در يك جمله* بی سابقه و گسترده
چریک‌های انقلابی سالوادور به سر
لانیولتاژ در ۵۰ مایلی سن سالوادور به
تصرف آنها درآمد. در این حمله ۱۰۰ تن
از مزدوران دشمن کشته شدند و بیشک
بادگان به اغفال چریک‌ها در آمد. به
دنبال این حمله چریک‌ها سه شهر دیگر در
منطقه* مورازان و سه شهر را در منطقه*
چاتانوکا به تصرف خود درآوردند و بدین
ترتیب ۲ شهر سالوادور به اغسال
چریک‌های انقلابی در آمده است

راهپوی صدای چریک‌ها اعلام کرد که
در درگیری‌های اخیر ۳۱۲ تن از مزدوران
دشمن کشته و ۱۰۷ تن از آنان با سارت
چریک‌ها درآمدند.

۱۵ تن از رهبران سازمان‌های
انقلابی و اتحادیه های کارگری
سالوادور توسط نیروهای امنیتی آن
کشور ربوده شدند. منابع FPMR اعلام
کردند که جمعا ۲۰ شهر شمالی سالوادور
به تصرف آنان در آمده است.

گواتمالا

امنیتی اینترنشنال اعلام کرد که از
ماه مارس یعنی از زمان روی کار آمدن
رژیم نظامی و وابسته بآمریکای زرنرال
اوا این ریوز مونتته در گواتمالا تاکنون
بیش از ۲۱۰۰ تن از روستائیان که اغلب
آنان را کودکان و زنان تشکیل میداده اند
توسط نیروهای ارتش و امنیتی بطور دسته-
جمعی و با انفرادی به قتل رسیده اند.
همین سازمان اعلام کرد که ۱۱۲ مورد کشته
شدن در اثر شکنجه گزارش شده است.

چریک‌های انقلابی گواتمالا در يك
حمله* وسیع به يك مقر ارتش مزدور و -
وابسته گواتمالا ۱۶ تن از افراد دشمن
را کشتند و خواهر زاده رئیس جمهوری را
که در شکنجه و کشتار روستائیان نقش
بسیزانی داشت زینودند.

بدنبال اوج گیری مبارزات مردم و

اطلاعه اندچمن.. بنده از صفحه ۲۳

با توجه به موقعیت ویژه پاکستان (نزدیکی و سهل العبور بودن مرز و بهره) از این فاعده
ستلنی نبوده و نیست. علاوه بر کسانیکه روزانه از پاکستان به دیگر کشورهای سرمایه داری
مراجعت می نمایند تعداد کثیری نیز در پاکستان ماندگار شده اند و به سازمان ملل متحد پناهنده
گفته اند. البته دولت پاکستان (با توجه به روابط نزدیک و دوستانه اش با رژیم) پناهندگی
رسمی به آنها نداده است. ولی تحت فشار سازمان ملل متحد مجبور به پذیرش آنها بدون ایجاد
بردر برای دولت نظامی پاکستان (که منظور همان منغ فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و عدم
نمایت از آنها در مقابل سفارت و نمایندگیهای ایران و نیروهای مزدور رژیم جمهوری اسلامی
از جمله گروهی از غییبیان پاکستانی و دیگر دارو دسته های اجر شده رژیم مانند فالترها و
نیریه می باشد) گفته است.

سازمان ملل نیز در مورد پناهندگان ایرانی فقط به دادن مبلغی حدود ۶۰ دلار ماهانه
سند کرده و هیچگونه اقدام دیگری ننموده است. به دنبال این بی اعتنایی نمایندگی سازمان
ملل در خواستی با الحاق ۶ خواسته مقدماتی و فوری با امضای کلیه پناهندگان ایرانی (۱۳۶
نفر) در کراچی تحویل نماینده سازمان گفتو بدنبال آن نیز نماینده پناهندگان ایرانی برای
گفتگو با نماینده عالی سازمان ملل متحد در پاکستان به اسلام آباد رفت ولی خالی برگشت.
نیز نماینده عالی سازمان ملل متحد در پاکستان رسیدگی به خواستهها را در درجه اول میوکول
به تصمیم دولت نظامی آمریکایی پاکستان و درجه دوم تعیین تکلیف از ژنو نمود.

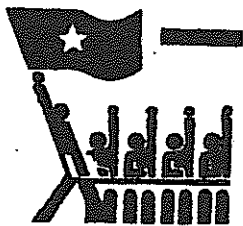
با توجه به این مسئله که اگر سازمان ملل متحد نتواند امکانات زندگی برای پناهندگان
در اینجا فراهم نماید. بسیاری از آنان مجبورند که به ایران برگردند که در آنجا نیز
مسلم سرنوشتی بجز جوش آمدن در انتظار همان نخواهد بود و این ضربه ای بس بزرگ به جنبش و
مبارزات توده ها خواهد بود.

انجمن دانشجویان و دانش آموزان ایرانی در کراچی بمنوان نهادهای دموکراتیک که از دل
مبارزات توده ها در ایران بیرون آمده و در عرض پنج سال سابقه مبارزاتی نمیتوانستند و
نمیتوانند از مبارزات توده ها در داخل کشور جدا باشد همواره از حقوق غصب شده توده های
محروم چه در زمان رژیم منحوس پهلوی و چه در این رژیم جنایتکار و جلاذ دفاع کرده و دفاع
میکند. وظیفه انقلابی خویش می داند تا در جهت پیگیری امر مبارزه خلقهای ایران و افغانی
رژیم خونخوار جمهوری اسلامی و کمک به پناهندگان انقلابی ایران دمی از پای نایستاده و مدای
مبارزات مردم ایران را در راه رسیدن به جمهوری دموکراتیک خلقی به کوششهای تیان برساند.

دستان دانشجو، رفقا و هموطنان مبارز

از شما تقاضا می کنیم که به هر نحو ممکن نمایندگی سازمان ملل متحد در پاکستان را
مجبور به تامین امکانات رفاهی و دادن پناهندگی رسمی سیاسی به آوارگان ایرانی نموده و
با در این امر یاری نمائید.
با گرمترین درودهای انقلابی

مرکز بر امپریالیزم امریکا دشمن اصلی خلقهای ایران و یابگه داخلی
مخبر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق ایران
درود بر عهدای بیخون خفته غلغ
هر چه مستحکم تر باد اتحاد نیروهای انقلابی و
مترقی



انجمن دانشجویان و دانش آموزان ایرانی - کراچی - پاکستان

نیروهای انقلابی در گواتمالا مست
حکومت نظامی در آن کشور تمدید عد
اکوادور
بدنبال تظاهرات گسترده و
اعتراضات عمومی توسط اتحادیه های
کارگری اکوادور حالت فوق العاده
در آن کشور برقرار و کلیه مدارس
و دانشگاهها تعطیل شدند. بقیه در صفحه



توضیح هیئت تحریریه سابق نشریه جهان

از انتشار آخرین شماره نشریه "جهان" (شماره ۶) چند ماه میگذرد. طی این مدت بسیاری از هواداران سازمان و خوانندگان نشریه جوایب علت تأخیر در انتشار آن عده اند لذا لازم دیدیم که توضیح مختصری در این رابطه بدهیم. "جهان" بضرورت نشریه‌ای ماهانه آغاز بکار کرد اما در عمل قادر نشد که چنین باشد. مشکلات تکنیکی و عدم وجود امکانات لازم سبب گردید که انتشار آن از هر شماره بشماره بعد طولانی تر گردد تا بجا آنکه قاطعه انتشار شماره ۳ تا شماره حاضر از چند ماه نیز فراتر رفت. قبلاً مسئولیت انتشار "جهان" (بعنوان نشریه هواداران سازمان هر یکهای فدائی خلق ایران در اروپا

و آمریکا) بعهده رفقای هوادار در فرانسه بود. تا اینکه چند ماه قبل بهمنهاد شد که انتشار "جهان" بعهده رفقای هوادار در آمریکا گذاشته شود. این بهمنهاد هیئت تحریریه سابق نشریه "جهان" مورد تأیید و تصویب دومین کنگره سازمان دانشجویان ایرانی هوادار در آمریکا قرار گرفت. لیکن امر انتقال انتشار نشریه از فرانسه به آمریکا با توجه به مشکلات جدیدی که پیش آمده بود بیش از حد انتظار بطول انجامید. امید است که رفقای هیئت تحریریه جدید نشریه جهان با همت و مهارت دیگر رفقای هوادار در کشورهای مختلف بتوانند با رفع مشکلات جاری، انتشار منظم آنرا عملی سازند. هیئت تحریریه سابق نشریه جهان

امتحان ایدئولوژی بیا امتحان رذالت

همگان با عموهای سرکوبگر یا نه رژیم واپسگرای جمهوری اسلامی آشنا هستید. رژیم‌سوی که بقای خود را بر افزایش سرکوبها و اختناق بنا نهاده است رژیم خاموش کردن صدای اعتراض دانشجویان مترقی در خارج کشور علیه جنایات بی سابقه خوده او با عیان قناره‌بند و موجب گهر حزب الهی را تحت پوشش‌های دیپلماتیک و غیره از طریق سفارتخانه و کنسولگری‌ها بی‌خارج گهیل میکند تا کسانی را که حاضر به حمایت با حکومت در مقابل جنایاتش نشده اند را با عیبوه‌های زنبلاخته "ببراه راست‌هدایت نمایند". جنای کفی و قناره بندی تنها عیبوه رژیم در "هدایت" افراد معترض و مخالف نبوده و نیست از آزار بستگان افراد مبارز در ایران گرفته تا عدم تمهید با سهورت و ترور دانشجویان انقلابی عیبوه‌های رایج رژیم در "هدایت" دانشجویان بوده است.

اخبار رژیم انقلاب فرهنگی‌اش را به خارج از کشور نیز بسط داده خواستار آن شده است که تنها دانشجویانی حق استفاده از ارز دانشجویی برای ادامه تحصیل دارند که به جز آموختن مسائل و مطالب علمی تعالیم اسلامی را نیز فرا بگیرند و بپذیرند. از این پس کافی نیست که دانشجویان در رشته خود تخصص یابند، باید نحوه طهارت، احکام نجاسات و بیطلاات روزه و نماز را نیز فراگیرند تا

آنان سیه‌تی بودند از خودمان حریقی

آذره با افتزاز برگهای خونینش، عزیمت بائیز را بفرود می‌گفت، و بوی خواب زمستانی شهر را سوسه میکرد. آنان سه تن بودند، زمندگانی از بقیه در صفحه ۳۰

اطلاعیه انجمن دانشجویان و دانش‌آموزان کراچی پاکستان
انجمن دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی کراچی پاکستان
تاریخ: ۱۹۸۲-۱۲-۱۱
شماره: ۱۱
برگه: ۱۱

دوستان دانشجویی رفقا همسران مبارز کشورمان اکنون لحظات حساسی را میگذرانند. تعاس به این خاطر که در مقابل وحشیگریهای ویکتاتوری عربان و لجام کبیخته جمهوری اسلامی مبارزات خلقهای ایران هر روز دامنه وسیعتری مییابد و در کنار مبارزات سایر زحمتکشان طبقه کارگر ایران نیز هر روز آگاهی و تجارب بیشتری کسب کرده و برای سرنگونی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک انقلابی کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا خود را متعکل و یکپارچه مینماید.

رفقا! دوستان مبارز و انقلابی رژیم جمهوری اسلامی کارگران و زحمتکشان و سازمانها و نیروهای انقلابی و مبارز وابسته به آنان را تحت‌شدیه‌ترین سرکوب و اختناق قرار داده است و هر روز چندین نفر از انقلابیون که هدفی جز دفاع از منافع توده‌ها ندارند به جوغه اعدام می‌سیرد. تاکنون به بسیاری از سازمانهای انقلابی ضربه‌های مهلک و کفنده‌ای زده است ولی این تشکیلات منسجم و فولادی آنها بوده است که تاکنون توانسته‌اند در مقابل ضربات رژیم مقاومت کنند و همچنان به فعالیتهای انقلابی خود درون توده‌ها ادامه دهند.

مسائلی از قبیل ضربه خوردن سازمانها و قطع ارتباطات سازمانی و بیسیاسی عوامل دیگر باعث خارج شدن تعداد کثیری از هواداران سازمانهای انقلابی و نیروهای آزادیخواه و دمکرات از کشور و پناهنده شدن آنها به کشورهای خارجی گفته‌اند.

بقیه در صفحه ۳۱

برای تماس با جهان با آدرس زیر مکاتبه نمایید:
JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات توده‌ها